

مهدی بازرگان
رهبر
نهضت آزادی
در گذشت



مهدی بازرگان روز جمعه ۳۰ دیماه در شهر برن سوئیس درگذشت. یادگذاشت او، کشور ما یکی از پرسابقه ترین فعالین سیاسی خود را که برای سربلندی و آزادی کشور مبارزه کرده است، از دست داد. فرات بازرگان موجب تألم و تأثر یاران او و آزادی خواهان کشور گردید.

ادامه در صفحه ۲

تماشای فوتبال به تظاهرات ضد دولتی تبدیل شد

● ده‌هزار جوان چندین ساعت با شعارهای ضد دولتی تظاهرات کردند

● چند تن کشته و صدها نفر زخمی شدند

روز جمعه ۳۰ دی ماه تجمع ده‌هزار نفر در استادبوم آزادی تهران برای تماشای مسابقه فوتبال به تظاهرات بزرگ و خشم آگین علیه رژیم اسلامی بدل شد. شعله خشم مردم در جریان مسابقه تیم های فوتبال استقلال و پیروزی تهران پرافروخته شد و استادبوم نقطه آغاز تظاهراتی شد که به اتوبان تهران - کرج و خیابانهای اطراف استادبوم آزادی کشیده شد. برای تماشای این مسابقه ۱۲۰ هزار تن به استادبوم آمده و با وجود اینکه مردم روی مشعل و دیوارهای استادبوم نیز نشسته بودند، هزاران نفر نیز در پشت درهای بسته مانده و موفق به ورود به استادبوم نشدند.

روز جمعه ۳۰ دی ماه تجمع ده‌هزار نفر در استادبوم آزادی تهران برای تماشای مسابقه فوتبال به تظاهرات بزرگ و خشم آگین علیه رژیم اسلامی بدل شد. شعله خشم مردم در جریان مسابقه تیم های فوتبال استقلال و پیروزی تهران پرافروخته شد و استادبوم نقطه آغاز تظاهراتی شد که به اتوبان تهران - کرج و خیابانهای اطراف استادبوم آزادی کشیده شد. برای تماشای این مسابقه ۱۲۰ هزار تن به استادبوم آمده و با وجود اینکه مردم روی مشعل و دیوارهای استادبوم نیز نشسته بودند، هزاران نفر نیز در پشت درهای بسته مانده و موفق به ورود به استادبوم نشدند.

تادقیقه ۸۷ مسابقه با نتیجه ۲ بر ۲ مساوی جریان داشت. اما در این لحظه تیم پیروزی گل سوم خود را به ثمر رساند که از سوی داور پدرفته نشد. به دنبال اعتراض بازیکنان، داور مسابقه که در دقیقه ۵۰، ۶۰ و ۶۵ از بازیکنان پیروزی را از بازی اخراج کرده بود یکی دیگر از بازیکنان این تیم و یکی از بازیکنان تیم استقلال را از بازی اخراج کرد و متعاقب اعتراض دو تیم به ادامه ی بازی

هزاران تماشاچی معترض به درون زمین ریختند. از آنجا که مسابقه بطور مستقیم از تلویزیون پخش می‌شد، مردم ایران تا قبل از قطع پخش مسابقه لحظاتی شاهد عصیان جمعیت درون استادبوم بودند. اعتراضات به هم پیوست، سکوبه سکو اوج گرفت و لحظاتی بعد سیل عظیم جمعیت به حرکت درآمد و تظاهرات بزرگی به راه افتاد. دسته بزرگی در زمین چمن استادبوم تظاهرات می‌کردند و جمعیت عظیم تری به سوی درهای خروجی به حرکت درآمد. جمعیت خشمگینانه علیه رژیم شعار می‌داد و هر چه سد راه خود بود درهم می‌شکست، ویران می‌کرد و آتش می‌کشید. سپاه اتوبوس‌هایی که برای انتقال مردم در محل منتظر بودند، سراسیمه از محل حادثه گریختند تا هم از خشم تظاهر کنندگان در امان باشند و هم امکان گسترش تظاهرات

پرونده
بزرگترین اختلاس
در رژیم اسلامی
فاش شد

تنها در دو شعبه بانک صادرات ۱۲۴ میلیارد تومان اختلاس شده است

دزدی و ارتشاء تار و پود رژیم را در هم تنیده و دزدان و کلاهبردان از قبل سیاست حکومت اسلامی چنان به جان اموال و دارایی کشور افتاده‌اند که در تاریخ ایران کم سابقه است. ابعاد فساد مالی و ارقام دزدی‌ها به حدی گسترده و کلان است که رژیم علی‌رغم تلاش خود دیگر قادر به پنهان‌کاری نیست و دزدی‌ها یکی پس از دیگری برملا می‌شوند. در دو هفته اخیر کلاهبرداری ۱۲۴ میلیارد تومان در دو شعبه بانک صادرات ایران در تهران بر سر استفاده‌های چند صد میلیون دلاری در شرکت دخانیات، بنیاد مستضعفان، وزارت معادن و فلزات، گمرک‌های کشور، بانک مرکزی، وزارت نفت، شرکت فولاد و ذوب آهن اصفهان افزوده شد. خبر اختلاس ۱۲۴ میلیارد تومان ادامه در صفحه ۳

روزنامه "ایران"
منتشر شد

روزنامه "ایران" به روزنامه‌های صبح تهران افزوده شد. صاحب امتیاز این روزنامه خیرگزاری جمهوری اسلامی ایران است. این خبرگزاری دولتی است و منبع اصلی تغذیه تمام روزنامه‌های وابسته به رژیم است و اخبار سانسور شده را در اختیار رسانه‌های گروهی قرار می‌دهد.

این روزنامه در زمانی آغاز به انتشار کرده است که ظاهراً مسأله کمبود کاغذ و گرانی فوق‌العاده آن در بازار آزاد بر دوش تعدادی از مطبوعات کشور سنگینی می‌کند. روزنامه سلام به علت کمبود کاغذ تعداد صفحات خود را از ۱۲ به ۸ کاهش داده است. در سرمقاله این روزنامه آمده است: "روزنامه سلام در شرایط موجود هیچ امیدی به ادامه راه ندارد و کاهش صفحات موقتی و در جهت انتشار چند شماره بیشتر به تعویق انداختن زمان تعطیل دائم روزنامه است." تعداد زیادی از نشریات مستقل هم به علت گرانی کاغذ یا در حال تعطیل هستند و یا اینکه با تاخیر انتشار می‌یابند و متحمل ضررهای مالی زیادی می‌شوند. طی دو ماه گذشته قیمت کاغذ بازم در بازار آزاد روبه افزایش داشته و در حال حاضر هر پند آن به ۸۵۰۰ تومان رسیده است. هر پند کاغذ خارجی نیز در بازار بین ۱۲۰۰ تا ۱۸۰۰ تومان فروخته می‌شود. گردانندگان حکومت اسلامی مسأله کاغذ را وسیله فشار بر نشریات مستقل و روزنامه‌های منتقد قرار داده است. رژیم حتی روزنامه سلام ادامه در صفحه ۲

ابهام و شایعات پیرامون
سقوط هواپیمای فرماندهان ارتش

مخالف رژیم، حرف‌های زیادی در مورد علت سقوط جت استار گفته می‌شود. از جمله این شایعات احتمال کودتا توسط ستاری بوده است که گفته می‌شود در میان فرماندهان ارتش از نفوذ زیادی برخوردار بوده است. بسیاری می‌گویند علت سقوط هواپیما با چنین امکانی بی‌ارتباط نبوده است. روزنامه‌ی سلام نیز به منتشر نشدن هیچ گزارش و اطلاعی از نتیجه‌ی تحقیقات انجام شده اعتراض کرده و در ۱۸ دی ماه

مخالف رژیم، حرف‌های زیادی در مورد علت سقوط جت استار گفته می‌شود. از جمله این شایعات احتمال کودتا توسط ستاری بوده است که گفته می‌شود در میان فرماندهان ارتش از نفوذ زیادی برخوردار بوده است. بسیاری می‌گویند علت سقوط هواپیما با چنین امکانی بی‌ارتباط نبوده است. روزنامه‌ی سلام نیز به منتشر نشدن هیچ گزارش و اطلاعی از نتیجه‌ی تحقیقات انجام شده اعتراض کرده و در ۱۸ دی ماه

موج تازه گرانی
در گرم‌گرم مبارزه دولت با گرانی!

پس از سه ماه جار و جنجال و تبلیغات کرکننده درباره مبارزه با گرانی و کنترل قیمت‌ها از سوی دولت، همه چیز دوباره به وضع وروال سابق بازگشته است. ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی - حتی با آهنگی شدید تر از قبل - در حال سقوط است و کالاها و خدمات اساسی مورد نیاز مردم روبه گرانی گذاشته است. کمبود عرضه کالاها اساسی نسبت به ماه‌های قبل از برنامه واقدامات دولت برای مبارزه با گرانی و کنترل بازار محسوس تر است. وخامت اوضاع اقتصادی کشور که سقوط بی‌سابقه ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی نمایان‌ترین نشانه آن است، با همان شدت سابق ادامه دارد. وضع نگران‌کننده موقعیت ریال، بسیاری را بر آن داشته که برای حفظ ارزش آنچه که در دست دارند، به خرید ارز و سکه طلا روی آورند. کمبود ارز در بازار موجب افزایش تقاضا برای خرید سکه‌های طلا شده است که افزایش چشمگیر پهای سکه‌های طلا در هفته‌های اخیر را در پی داشته است. امروز آینه قابل پیش‌بینی برای اقتصاد کشور تیره تر از ماه‌های قبل است.

نمی‌شود گفت که این یک برنامه دولت نیز برای مهار تورم و کنترل قیمت‌ها همچون دیگر برنامه‌های آن به شکست انجامید، چرا که اساساً چنین نقشه و برنامه‌ای وجود نداشت. ما پیش از این نیز گفته بودیم دولت در پی مقابله با گرانی و کاستن از فشار معیشتی خردکننده بر مردم نیست، بلکه نگرانی و دل‌مشغولی دولت و حکومت پیامدهای اجتماعی - سیاسی گرانی‌ها و وخامت اوضاع اقتصادی است. عامل گرانی در درجه اول خود دولت بوده و هست و دولت در این سه ماه نه در صدد مقابله با گرانی، بلکه دنبال آن بود که با تبلیغات و جار و جنجال دروغین سر مردم کلاه بگذارد.

تلاش
برای بازگرداندن
۱۰ پناهجوی ایرانی!

۱۰ پناهجوی ایرانی در پروازی به مقصد رم از طریق وین، در فرودگاه وین از ادامه سفر خودداری کرده و بعد از چندین روز ماندن در فرودگاه و تماس با مسئولین سازمان‌های بین‌المللی و با قول آن که به کمپ پناهندگان برده خواهند شد به طرف هواپیمایی پرده می‌شوند که قصد بازگرداندن آنها را داشته است. آنها با بی‌بردن به این موضوع به مقاومت دست زده و حتا چند تن از آنان با توجه به وحشتناک از بازگشت اقدام به خودکشی و برپیدن رگ‌های دستشان کردند. ما موران پلیس اتریش با این پناهجویان درگیر شده و با ضرب و شتم و خشونت بسیار سعی در سوار کردن آنها به هواپیما می‌کنند. ولی با توجه به موقعیت و شهادتی که در محل حضور

آنانی که در طول سالهای گذشته بنیه اقتصادی کشور را تخریب و هستی جامعه را در رنج و در ریخت و پاشیهای مختلف بر باد داده بودند، پس از ۱۵ سال وقتی خایر کشور را ته کشیده، اقتصاد را راکد و دخل دولت را در برابر خرجش بسیار ناچیز و هراس انگیز یافتند، تصمیم به انتقال بار این مصیبت در تمام ابعادش بردوش مردم شوربخت گرفتند. و این یعنی گرانی همه چیز، فقر بیشتر و فشار بیش از پیش بر مردم. اما چنین نقشه‌ای و چنین شوک درمانی خالی از عوارض و پیامدهای اجتماعی - سیاسی خطرناک برای حکومت نبود و آخوند‌ها ساخت از این پیامدها هراسانند. برای پیشگیری از چنین عوارضی بود که حکومت جنجال مبارزه با گرانی و کنترل قیمت‌ها و نظام بازار را به راه انداخت تا با ایجاد تردید در مردم و حتی شاید برانگیختن امید در آنها نسبت به مهار گرانی، التهاب ناشی از موج بی‌سابقه گرانی‌ها و وخامت زندگی مردم و تبدیل آن به انفجارهای اجتماعی را مهار نماید. در حقیقت دولت در این سه ماه گذشته نه در پی مقابله با گرانی، که

بیست و چهارمین سالگرد
بنیاد فکداری جنبشی فدائیان
و انتشار جبهه با نشکوه منتشر پیر گزار کشیم؟
جشن سالگرد: ۱۱ فوریه ۱۹۹۵
محل: بن - آلمان
BEUEL-BRUEKEN
FORUM
Friedrich-Brueuer-Str. 17
ادامه در صفحه ۳

یادداشت

آتن ها بر بام ها پابرجا می مانند

شورای نگهبان با مواد ۲ و ۳ لایحه مصوبه مجلس شورای اسلامی درباره ممنوعیت استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره ها مخالفت کرد. این دو ماده روح قانونی بودند که می رفت تا بی قانونی و هرج و مرج بیشتر در کشور را دامن زند و عرصه ای در پیکار مداوم مردم و حاکمیت بازگشاید.

از قرار این لایحه عجالتاً برای مدتی مسکوت خواهد ماند و در صورتیکه شورای نگهبان برد لا یش که ناشی از غیر عملی بودن اجرای این لایحه می باشد اصرار ورزد، بعید می نماید که اکثریت مجلس بتواند بار دیگر آنرا، آنگونه که مورد نظر آنان و در واقع رسالتی ها در حاکمیت جمهوری اسلامی است، تصویب و به اجرا گذارد. با این وجود فشاری وزیر کشور هفته گذشته، روزها پس از اعلام نظر شورای نگهبان، باز هم بر موضع قبلی خود پای می فشرد و بار دیگر اظهار کرد که وزارت کشور پس از ابلاغ قانون ممنوعیت استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره ها، بدنبال تعیین یک مهلت دو هفته ای نسبت به جمع آوری آنتن های ماهواره ای اقدام خواهد کرد.

به نظری رسید شورای نگهبان مصلحت گرایانه با آگاهی از غیر عملی بودن اجرای قانون مزبور بکمک نیروهای انتظامی و با استفاده از تجارب پیشین در مبارزه با ویلن و در مقطع دشوار کنونی با این اقدام کوشید که از حفر یک چاه خود کنده ای دیگر در برابر بر زمین پیش گیری کند که در طول حیات این شورا کمتر سابقه داشته است. دارندگان آنتن های ماهواره ای نیز آگاه به آگاه پاره ای از محافل رژیم در گشودن یک عرصه دیگر در مبارزه با خواست ها و آزادی های مردم با وجود تمام تهدیدها در مورد جمع آوری ماهواره ها تا کنون صبر را پیشه ای خود ساخته و منتظر نتیجه ی کشمکش دست اندر کاران حکومتی اند. اخبار رسیده حاکی است که آنتن های ماهواره ای کماکان استوار بر بام ها و بالکن ها قرار دارند و دارندگان شان در حال حاضر قصد استتار آنها را ندارند.

آنان که آنتن و تجهیزات دریافت از ماهواره ها را به قیمت گزاف در زمان عدم منع قانونی تهیه کرده اند با اشراف به اینکه در یک نظام معارف قانون عطف به ماسبق نمی شود حاضر به از دست دادن دارایی خود نیستند. دیگر آنکه ایشان طبیعتاً خود را صاحب قوه ی تشخیص و تمیز خوب از بد می دانند و با قیام مابنی و کونه نظری از عمای جمهوری اسلامی که قدرت تشخیص را به معدودی از خبرنگاران پیرامون خود منحصر می دانند، مقابله می کنند.

شناخت و آگاهی مردم ما عامل تعیین کننده در استفاده درست از امکانات و پیشرفت های علوم و فو تن معاصر است و در این زمینه نیازی به قیام و شناخت ندارند. تنها نتیجه دخالت دولت در این امر ایجاد اختلال در بهره گیری درست از این امکانات است، که صد البته دود آن قبل از همه به چشم رژیم خواهد رفت.

جشن بیست و چهارمین سالگرد

جنبش فدائیان خلق

برنامه های هنری توسط هنرمندان مشهور:

زویا شوان - فرشته عارف
و گروه رقص های ایرانی

زمان: شنبه ۱۱ فوریه ۱۹۹۵

محل: آلمان - بن

BEUEL-BRUCKEN
FORUM
FRIEDRICH-Breuer-Str. 17

جشن سالگرد بنیانگذاری سازمان

درسوئد

جشن بیست و چهارمین سالگرد بنیانگذاری جنبش فدائیان خلق ایران با همکاری گروه موسیقی گلبنگ، رقص آمریکای لاتین و دیگر برنامه های هنری

زمان: شنبه ۱۱ فوریه ساعت: ۱۷/۳۰

مکان: سوئد استکهلم KistaTraff

مهدی بازرگان ...

ادامه از صفحه ۱

بازرگان رهبر نهضت آزادی ایران بود و نام او با نام آن گره خورده بود. او سال ها بعنوان یکی از همزمان دکتر مصدق برای ملی کردن نفت کشور و خلع ید از دولت انگلیس تلاش کرد و در دوره حکومت محمد رضا شاه، ۵ سال در زندان به سربرد و علیه دیکتاتوری او مبارزه نمود.

مختصری از زندگی

مهدی بازرگان

مهدی بازرگان در سال ۱۲۸۵ شمسی در خانواده ای متحول و متدین در شهر تبریز به دنیا آمد. وی جزو اولین گروه اردانشجویانی بود که رضا شاه برای تحصیل به خارج از کشور فرستاد. پس از بازگشت به کشور رئیس بانک ملی شد.

بازرگان بعد از جنگ جهانی دوم حزب ایران را با عده ای دیگر بنیاد نهاد ولی به دنبال ائتلاف این حزب با حزب توده ایران از این حزب کناره گرفت.

بازرگان در بین سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ به همکاری با دکتر مصدق پرداخت و از جانب او بعنوان رئیس بخش فنی هیئت سه نفره خلع ید از شرکت ایران و انگلیس برگزیده شد. بازرگان همزمان با فعالیت های سیاسی دردانشگاه تهران به تدریس پرداخت و از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۹ رئیس دانشکده فنی تهران بود.

مهدی بازرگان در سال ۱۳۴۰ همراه با آیت الله طالقانی وعده ای از یاران خود نهضت آزادی ایران را بنیاد نهاد. ولی رژیم آنها را دستگیر و بازرگان را به ده سال زندان محکوم کرد. او ۵ سال از محکومیت خود را گذراند و سپس آزاد شد.

بازرگان اولین نخست وزیر بعد از انقلاب بهمین و عضو شورای انقلاب بود. ولی خمینی در سال ۱۳۵۸ او را برکنار نمود. بازرگان در دوره حکومت اسلامی از موضع قانون حکومت اسلامی تا سرحد فرار از عواقب سرکوب و سیاست های مخرب آنان آگاه سازد و آنها را از راه رفته بازگردد. او در مبارزه سیاسی از خط مشی تحول در درون حکومت اسلامی پیروی می نمود ولی در آخرین مصاحبه اش با روزنامه آلمانی فرانکفورتر روندش او که در همین شماره نشریه کار چاپ شده است، از تحول در درون حکومت اسلامی نا امید شده و از پابرجائی رژیمی چنین پر نخوت و از خود راضی اظهار تعجب کرده است. او به این سؤال روزنامه که "آیا فکر می کنید که یک تحول واقعی تنها در صورت فروپاشی رژیم امکان پذیر است؟" جواب مثبت داده است. این فکر بازرگان حاصل تجربه سیاسی او در بر خورد با رژیم اسلامی است.

موج تازه گرانی ...

ادامه از صفحه ۱

در پی آن بود سر مردم کلاه بگذارد. تمام شواهد حاکی از آن بود که از آغاز امسال همه فکرو ذکر و دلمشغولی راس هرم قدرت و سیاست گزاران رژیم آن بوده که چگونه سفره خالی و ذخیره ته کشیده کشور را در مقابل مردم پهن کنند، بی آنکه متحمل زیان برای دوام و بقای حاکمیت خود شوند. آنان جاهلانه بر این فکر باطلند که اگر از این خطر را بی یافتند، فردا را با خود خواهند داشت. اما وقتی هیچ چیزی حل نشده باشد و گریه از هزاران گره کور جامعه گشوده نشده باشد، کابوس همواره دو سر آخوند ها خواهد چرخید - اگر در صف های طولانی تهیه ما یحتاج بقبض مردم نترسد، در جایی دیگر و به هر بهانه بجا و نابجا این خشم فرو خورده بیرون خواهد زد. آنچه که در روز جمعه گذشته در استاد یوم آزادی رخ داد، آیا جز این است که گفتیم؟

براستی کشور ما یا این حال و روزیه کجا می رود؟ آخوند ها این کشور و ۶۰ میلیون جمعیت آن را به کجا می کشانند؟ چه برنامه ای برای نجات کشور از منجلا ببحران و خطر سقوط و تلاشی دارند؟ آنچه که برای ۵ سال آتی تصویب و به عنوان برنامه ارائه داده اند، نسخه بی رمق و گوش دم بریده همان برنامه ایست که از ۶ سال پیش به اجراء آورده اند و بخش بزرگی از مصائب امروز مولود آن است. مضاف بر اینکه، برنامه ۵ ساله آتی آن سرمایه و امکانات داخلی و خارجی برنامه اول را نیز ندارد. با این اوصاف کشور ملت آینده ای جز سقوط بیشتر، مصائب بیشتر و بسیاری از خطرات دیگر در پیش روندارد. نگرانی مردم و میهن دوستان نیز در همین جاست. آشکارا پیداست که آخوند ها با نئی از این ندارند که ملک و ملت را نیز همراه خود به غرقاب نیستی بکشانند. آخوند ها در منجلا بی که خود ایجاد کرده اند غرق خواهند شد، اما نباید گذشت آنان سرنوشت کشور و مردم بلا دیده ما را با سرنوشت محتوم خود یکی کنند.

اطلاعیه مشترک
سازمان جمهوری خواهان ملی ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
حزب دموکراتیک مردم ایران
آقای بازرگان در گذشت

با کمال تأثر و تأسف اطلاع یافتیم که شخصیت ملی ایران، آقای مهندس مهدی بازرگان که برای ادامه معالجه عازم آمریکا بود، در سرتیس درگذشت. مهندس بازرگان از افراد صاحب نام مذهبی نهضت ملی ایران بود. او با اعتقاد به مذهب عمری برای حاکمیت ملی، مردم سالاری و برقراری دموکراسی مبارزه کرد. نقش بارز او در سیاست معاصر کشورمان، در نهضت ملی کردن نفت به رهبری دکتر مصدق، و در مبارزه با استبداد پهلوی و در انقلاب بر کسی پوشیده نیست. آقای بازرگان علیرغم آنکه به اختلاط دین و دولت اعتقاد داشت و قانون اساسی جمهوری اسلامی را قبول داشت و به آن پای بند بود، با حکومت و سیاست های استبدادی آن مبارزه می کرد.

قضاوت در باره او هر چند پس از گذشت زمان، بیشتر ممکن خواهد بود، ولی ملی گرایی و علاقه به دموکراسی و مبارزه با استبداد از هرنوع آن، از صفات بارز زندگی سیاسی و اجتماعی او بوده است.

مادر گذشت آقای بازرگان را به خانواده محترم او، به نهضت آزادی ایران و دیگر همراهان وی تسلیت می گوئیم.

سازمان جمهوری خواهان ملی ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
حزب دموکراتیک مردم ایران
۳۰ دی ماه ۱۳۷۳

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مهندس مهدی بازرگان در گذشت

سهم و نقش ارزنده او در مبارزات

آزادیخواهانه مردم ایران مانند گار خواهد بود

مهندس مهدی بازرگان، رهبر نهضت آزادی ایران، بعد از ظهر امروز در سن ۸۸ سالگی چشم از جهان فرو بست. او که همراه تنی چند از اعضای خانواده خود به قصد معالجه راهی آمریکا بود، در توفقی کوتاه در سرتیس دچار عارضه قلبی شد و ساعتی بعد در بیمارستان درگذشت.

در گذشت مهندس بازرگان آزاد یخواهان ایران و آثانی را که چه در رژیم شاه و چه در رژیم جمهوری اسلامی علیه استبداد رزمیده اند، در اندوه فرو برده است. فقدان او ضایعه ای بزرگ برای کسانی است که ایرانی آزاد و آباد و سر بلند آرزو دارند.

مهندس بازرگان بیش از ۶ دهه از عمر خود را در خدمت به میهنش گذراند. یار دکتر مصدق و همگام نهضت ملی ایران بود و در تمام زندگی اش اهداف این نهضت را راهنمای عمل خود داشت. مهندس بازرگان برای توسعه نهادهای علمی و فنی در کشور بسیار کوشید و کارنامه ارزنده ای از کار در دانشگاه های ایران از خود بجای گذاشت. او صاحب نظری سرشناس در اسلام بود که زندگی را جهادی در راه عقیده می دید. او نشان داد و ولع قدرت و ثروت را یاری آن نبوده است که وی را به راهی دیگر سوق دهد. او سال های مدید را به خاطر دفاع از حقوق ملت و مخالفت با استبداد در زندان شاه گذراند و آن روز که در راس دولت قرار گرفت، تن نداد که او را بانی استبداد کنند و با صراحت بر آن چه صلاح خسروش می دانست پا فشرد. مهندس بازرگان به رغم اعتقادش به اختلاط دین و دولت و به رغم پایبندی به قانون اساسی جمهوری اسلامی، در مخالفت با هیات حاکمه فعلی و سیاست های استبدادی آن تا آخرین لحظه عمر با پدا ماند.

خدمات مهندس بازرگان به کشورش و سهم و نقش او در نهضت ملی و مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران مانند گار خواهد بود. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در گذشت مهندس بازرگان را به خانواده محترم، به یاران و همراهان او در نهضت آزادی ایران و دیگر آزاد یخواهان ایران تسلیت می گوید.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
جمعه ۳۰ دی ماه ۱۳۷۳

تماشای فوتبال ...

ادامه از صفحه ۱

می تواند از بروز شکاف های تازه در دیوار استبداد جلوگیری کند؟

روزنامه "ایران" ...

ادامه از صفحه ۱

را که از مدافعین نظام اسلامی است ولی در مواردی موضع انتقادی نسبت به سیاست های جاری دارد، از طریق ندادن کاغذ تحت فشار قرار داده است. در حالیکه مؤسسات مطبوعاتی مورد حمایت حکومت، از قبل ارزهای خارجی که رژیم در توانستند با گشودن آتش به روی مردم خشم آنان را موقتا فرو خوابانند، اما اکنون بعدی کجاست؟ رژیم تا کی

فوتبالیست آسیا، فرشاد بیوس، عابدزاده، محرمی، داداش زاده، غفوری اصل و امیر قلعه نوحی جزو محروم شدگان هستند. بر طبق تصمیم فدراسیون، تیم پیروزی این بازی را ۳ بر صفر بازنده اعلام شد و به پرداخت ۲۰ میلیون تومان محکوم شد.

آیا قربانی کردن ورزشکاران دردی را از کسی دوا خواهد کرد؟ کیست که نداند ریشه هر اعتراض مردم در خشم آنان به رژیم نهفته است؟ پاسداران این بار نیز توانستند با گشودن آتش به روی مردم خشم آنان را موقتا فرو خوابانند، اما اکنون بعدی کجاست؟ رژیم تا کی

دستگیری ۵ تن از اعضای

حزب دموکرات کردستان ایران در ترکیه

مأموران امنیتی ترکیه با همکاری جمهوری اسلامی ۵ تن از اعضای حزب دموکرات کردستان ایران را در شهر افسوس در بخش مرکزی ترکیه دستگیر کردند. خبر دستگیری اعضای حزب دموکرات کردستان ایران روز چهارشنبه ۲۱ آدی ماه از سوی خبرگزاری آنا تولی به نقل از مسئولین شهر یانی این کشور انتشار یافت.

مأموران امنیتی ابتدا امیر خرمی عضو حزب را به دام انداختند. به گزارش خبرگزاری آنا تولی امیر خرمی با اعضای حزب دموکرات کردستان در ایران و اروپا تماس داشت و مأموران وی را در یک باجه

فتوای قتل رشدی به قوت خود باقی است!

این بار هم سلمان رشدی روایت تهران با اسلور تیره کرد. ماجرا با نامه عبدالرحیم گواهی سفیر ایران در نروژ به وزارت امور خارجه این کشور شروع شد. گواهی در نامه خود به وزیر امور خارجه نروژ بر خلاف خامنه‌ای، محترمانه ابراز امیدواری کرد که فرمان قتل رشدی به شکلی باز پس گرفته شود و حکم خمینی علیه رشدی مانع گسترش روابط دو کشور نباشد. قرار بود نامه به استحضار دولت نروژ برسد و محتوای آن در چارچوب مناسبات رسمی محدود باشد. از بیخت بد جناب سفیر مطبوعات اسلوبه نامه دسترسی پیدا کردند و آن را در روزنامه‌ها بازتاب دادند. بلافاصله پس از انتشار نامه عبدالرحیم گواهی، وزارت امور خارجه وی را به عنوان تنبیه و به دلیل تخلف از سیاست‌های تعیین شده نظام به تهران خواست. و نامه دیگری با امضای وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی به اسلور فرستاد و تأکید کرد که فتوای قتل رشدی به قوت خود باقی است. در اعتراض به این اقدام دولت نروژ سفیر خود در تهران را به اسلور خواند و وزیر امور خارجه این کشور در پارلمان اعلام کرد که دولت نروژ در حال ارزیابی مجدد روابط خود با جمهوری

اسلامی ایران است. وی از جمهوری اسلامی خواست که فتوای قتل رشدی را رد کند و به اصول حقوق بشر که از سوی همگان به رسمیت شناخته شده است، پای بند باشد. حکومت نروژ سفیرش را از تهران برای مشورت در مورد روابط با تهران، که با تیراندازی به ناشر نروژی کتاب آیات شیطانی به تیرگی گراییده بود، به اسلور فرخواند. به عنوان سخنگوی گروه کشورهای ضد اسلامی اروپا نسبت به این حرکت عکس العمل نشان داد. وزیر امور خارجه نروژ گفت: ما نمی‌توانیم فتوای قتل سلمان رشدی و یا افرادی که دست اند کار انتشار کتاب ایشان هستند را بپذیریم و به مجلس آن کشور اطمینان داد که حکومت روابطش را با ایران مورد ارزیابی مجدد قرار خواهد داد. ایشان اضافه کردند: این فتوای بطور عموم با موازین حقوق بشر و نرم‌های اجتماعی در تضاد است. قابل توضیح اینکه ناشر آیات شیطانی سه بار از پشت سر هدف تیراندازی قرار گرفت و سرانجام در خارج از شهر اسلور در اکتبر ۱۹۹۳ زخمی گردید. حکومت ایران هر گونه دخالت کشورش را در این امر تکذیب کرد.

تلاش برای بازگرداندن...

ادامه از صفحه ۱

داشته اند و مقاومت ایرانیان در سوار شدن به هواپیما و اداریه عقب نشینی شده و از این اقدام صرف نظر می‌کنند. این بنا هجویان هم اکنون در اتریش می‌باشند و تقاضای آنها در حال بررسی می‌باشد.

قابل توجه است که این اولین باری است (و شاید اولین باری که بازتاب پیدا کرده است) که دولت اتریش در مورد مسئله پناهندگان اینگونه علنی با پای گذاردن بر روی کلیه مقررات بین‌المللی دست به چنین عملی زده است و این بی‌ارتباط با وظیفه‌ی این دولت در قبال اتحاد اروپا به عنوان کشور مرزی، در پاسداری مستحکم تراز مرزهای این اتحادیه و جلوگیری از ورود مهاجرین و پناهنجویان به اروپا نمی‌باشد. این وظیفه برای دولت اتریش به عنوان یکی از دول اروپای متحد چنان مهم است که با توجه به مشکلات اقتصادی و سیاست صرفه جویی دولتی اعلام شده‌ی اخیر، وزیر کشور اتریش در همین روزها اعلام کرده است که برای امنیت بیشتر کشور، مخصوصاً امنیت بیشتر مرزهای این کشور با کشورهای بیرون اتحادیه اروپا، اقدام به افزودن مأمورین و پست‌های ژاندارمری خواهد کرد.

ابهام و شایعات...

ادامه از صفحه ۱

خرابکاری در سیستم هواپیما بوده است؟

یادآوری می‌شود هواپیمای فوکر ۲۸ شرکت هواپیمایی آسمان نیز قریب سه ماه پیش سقوط کرد و در آن ۶۶ نفر کشته شده‌اند. گفته می‌شود قسمتی از جعبه‌ی سیاه این هواپیما بعد از پیدا شدن توسط عمال رژیم مخدوش شده است.

ادامه از صفحه ۱

در بانک صادرات روز بیستم دی ماه در مطبوعات و رسانه‌های بین‌المللی بازتاب یافت و وزاری رژیم در گفتگوی رادیو و تلویزیونی و مطبوعاتی آن را تأیید کردند، اما نام و نشان مشخصی از کلاهبرداران و دزدان ندادند.

۱۲۲ میلیارد تومان صحیح است

در تهران پرسر مبلغ اختلاس شده و عاملین آن میان فلاحیان وزیر اطلاعات، محمد خان وزیر اقتصاد و دارایی و روزنامه جمهوری اسلامی ناهمد استانی است. روزنامه جمهوری اسلامی معتقد است: مبلغ اختلاس شده از دو شعبه بانک صادرات در تهران ۱۲۳ میلیارد و نهصد میلیون تومان است. محمد خان وزیر اقتصاد و دارایی قبول ندارد که در بانک صادرات بیش از ۶/۵ میلیارد تومان اختلاس شده باشد و فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت هم نوشته جمهوری اسلامی را قبول دارد و هم گفته‌های وزیر اقتصاد و دارایی را. روزنامه سلام ۵ متهم به عنوان عاملین اختلاس ۱۲۴ میلیارد تومانی یاد کرده و نوشته است که ماجرا در مجلس به رفیق گیت معروف شده است. به نوشته سلام فاضل خداداد، مرتضی رفیق دوست و همسرش جاعلین چک‌های رمزدار تضمینی هستند. قربان مرتضی با محسن رفیق دوست سرپرست بنیاد مستضعفان هنوز روشن نشده است. سلام به نقل از یکی از کارمندان رسمی بانک صادرات قید کرده است که رقم اختلاس و مبلغ صحیح و واقعی دقیقاً ۱۲۲ میلیارد تومان بوده است.

پته سوء استفاده مالی و اختلاس در بانک صادرات را نخست‌نویسندگان روزنامه سلام بر آب ریختند و ماجرا را برملا کردند. سپس محمود آستانه نماینده دریندو محمد علی الهی نماینده تبریز همراه عده دیگری از نمایندگان مجلس آن راهی گرفتند. آنان روز شنبه بیستم دی ماه از وزیر اقتصاد و دارایی خواستند پیرامون سوء استفاده مالی در چند شعبه بانک صادرات گزارش دهند و بگویند که مسئول شعبه ۳۶۱۶ دارندگان شماره حساب‌های ۱۴۶۴، ۱۹۷۰، ۱۶۴۷ و ۲۰۱۳ و ۲۰۰۰ در شعبه ۲۰۷ تجریش چه کسانی هستند، از کی برداشت‌های غیرقانونی آنان شروع شده، با پول‌هایی که برداشته‌اند چه کرده‌اند و چرا از سال ۷۱ تا کنون در این باره

پرونده بزرگترین اختلاس...

سکوت شده است. محمد خان وزیر اقتصاد و دارایی در پاسخ به چگونگی اختلاس و علت سکوت رژیم فقط به توضیح پیرامون حساب شماره ۲۰۰۰ در شعبه تجریش پرداخت و گفت: در سال ۷۱، در یکی از شعبه‌های بانک صادرات متصدی چک‌های رمزدار ضمن تبانی با دو نفر از مشتریانی که متهم به کلاهبرداری هستند، در مدت ۱۰ ماه چک‌هایی را به حساب واریز کرده و پیش از آنکه چک‌ها وصول شوند، مسئول بانک پول را پرداخت کرده و در فاصله یک هفته این پول مجدداً به حساب مربوطه واریز شده است. عملیات ۱۰ ماهه ادامه داشته و بازرسان گردش عملیاتی سیستم بانکی متوجه تخلفی نشده‌اند، زیرا متخلفان بین ماه‌ها عمل می‌کرده‌اند و تا آخر ماه که حساب‌ها رسیدگی می‌شد از نظر سرجمع مشکلی پیش نمی‌آمد. تا آنکه در بهمن ماه سال ۷۱ خزانه داری بانک به مغایرت حساب‌ها پی برد و پس از رسیدگی متوجه شد که حساب ۲۰۰۰ در بانک صادرات شعبه تجریش معادل ۶۵ میلیارد ریال کسری بوده دارد و مسئول آن از کشور خارج شده است.

محمد خان در ادامه اظهارات خود برای نمایندگان مجلس شرح داد که چگونه وزارت اقتصاد و دارایی با همکاری سربازان گمنام وزارت اطلاعات دارنده شماره حساب ۲۰۰۰ را در خارج از کشور پیدا می‌کنند و بعد از مذاکرات طولانی وی را مجاب می‌کنند که برگردد و پول‌ها را باز پس دهد. طرف برمی‌گردد و در مدت یک ماه ۴ میلیارد تومان از آن حسابی که کسر داشته تقدیم می‌پردازد. به گفته وزیر اقتصاد این شخص دوباره به خارج از کشور می‌گریزد و مسئولان مربوطه بعد از یک سال گفتگو دوباره او را به کشور بازمی‌گردانند و وی الان در اختیار وزارت اطلاعات و دادستانی است.

وزیر اقتصاد و دارایی در مورد زن و شوهری که روزنامه سلام از آنان به نام مرتضی رفیق دوست و همسرش به عنوان عاملین اختلاس یاد کرده است، گفت: افرادی که در شعبه تجریش با یکدیگر همکاری می‌کردند با مسئول شعبه نیز که حق امضاء داشت تبانی کرده بودند. زن و شوهری هم بودند که با استفاده از این سیستم اختلاس می‌کردند ولی هنگام کشف جرم پدیده‌اشند و از طریق بانک جرایم را پرداخت کردند و پس از تشکیل پرونده به دادسرا معرفی شدند. محمد خان حتی برای نمایندگان مجلس جمهوری در شعبه تجریش می‌گفت: در شعبه شهید هادی پوربانک صادرات را اختلاس کرده اعلام کرد. بالغ بر ۸ میلیارد تومان اعلام کرد.

اختلاس در شعبه دوم بانک صادرات

در مورد اختلاس در شعبه شهید هادی پور که در پی سوء استفاده مالی شعبه تجریش روی داد، وزیر اقتصاد گفت: در شعبه شهید هادی پوربانک صادرات نیز عملیات مشابهی به وقوع پیوست به طوری که چک فاقد موجودی و غیرقابل وصول را به حساب جاری فردی واریز و پس از چند روز برداشت کردند و در نتیجه مبلغ ۱/۵ میلیارد تومان با خیانت یکی از روسای این شعبه اختلاس شد. به گفته محمد خان از محل زندگی متهم معادل ۱/۵ میلیارد تومان چینی آلات به دست آمده است.

در اعتراض به اظهارات بی‌سرو ته وزیر اقتصاد و دارایی، محمود آستانه نماینده دریندو در مجلس گفت: سرجمع رقم اختلاس در ۵۲۱ فقره برداشت غیرقانونی بیش از ۱۲۳ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان است که نوزدهم مقدار ۶/۵ میلیارد تومان آن در همان زمان وصول نشده و گم شده بود. این اختلاس در سال ۷۲ به مراجع ذیصلاح اطلاع داده می‌شود ولی وزیر اقتصاد وقت یک ماه بعد در جریان امر قرار گرفته و مدتی عامل بانک صادرات نیز در سال ۷۳ به مراجع قضایی اطلاع می‌دهد. کشف جرم سیزدهم بهمن ماه ۷۱ بوده است اما حسابرس در تیرماه ۷۳ به شعبه بانک می‌رود! جالب اینکه در دفتر مدیر عامل بانک جلسهای تشکیل می‌شود که در این جلسه عاملین اختلاس نیز حضور داشته‌اند.

نماینده دریندو در مورد اطلاع هاشمی رفسنجانی از ماجرا گفت: ریاست محترم جمهور در تاریخ ۷۳/۵/۱۸ طی نامه‌ای نوشتند بازپرس ویژه پیگیری کنند، رقم خیلی بزرگی است. چرا مسئولین بالا مطلع نشده‌اند، اگر مطلع شده‌اند چرا گزارش نکرده‌اند.

چند روز پس از اظهارات وزیر اقتصاد و دارایی، فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت در گفتگویی مطبوعاتی ضمن اشاره به فروش ۱۰ میلیون دلار ضمانت نامه جعلی میان عاملین سوء استفاده مالی بانک صادرات، درباره مبلغ اختلاس شده گفت: گردش عملیات حساب‌های مختلف وی حدود ۱۲۰ میلیارد تومان بوده است.

افشای اختلاس مالی در بانک صادرات نشان می‌دهد که باید شایعه سوء استفاده کلان در بانک سپه و بانک مرکزی را جدی تر گرفت و پیگیری کرد.

۲۵۸۵ پرونده‌ی اختلاس

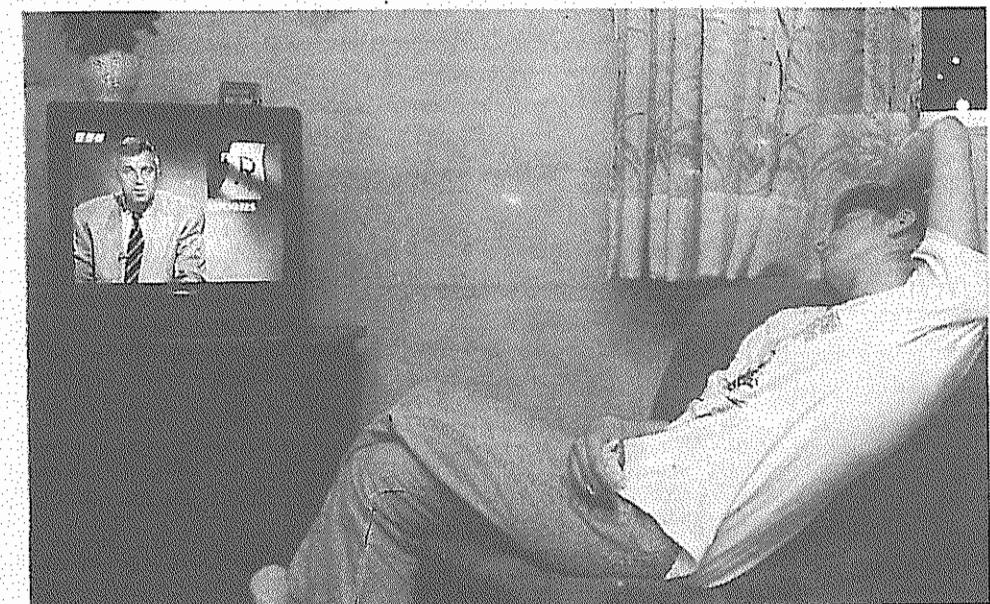
فساد مالی و اختلاس در جمهوری اسلامی پدیده‌ای است عام و محدود به بانک صادرات و بانک مرکزی نیست. گزارش تقریباً ۲۵۸۵ پرونده اختلاس مالی و حیث و میل اموال عمومی تشکیل شده که روزبه روز بر شمار این پرونده‌ها و فطر آنها افزوده می‌شود.

رژیم برای فرو نشان دادن خشم مردم و انحراف اذهان عمومی علیه کلاهبرداران بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، بنیاد ۱۵ خرداد و... اموال شکر ریز سرپرست شرکت ملی فولاد، بانکی رئیس سازمان صنایع و یکی از پزشکان شاغل در شرکت فولاد را موقتاً توقیف کرده است.

بنیاد مستضعفان یکی از ثروتمندترین و فربه‌ترین نهادهای مالی است که بر دخل و خرج آن نظارتی وجود ندارد. این نهاد به استاد سخنان سرپرست آن محسن رفیق دوست طی ۵ سال اخیر هیچ گونه گزارشی از فعالیت و عملکرد اقتصادی خود ارائه نکرده است. درآمد بنیاد طی ۵ سال جاری بیش از ۷۵ میلیارد تومان بوده است. حال رفیق دوست و یاران وی که یقیناً رفسنجانی و علی خامنه‌ای جزو آنانند، مدعی‌اند که بنیاد با ۵ میلیارد تومان کسری مواجه است. بی‌دلیل نبود که دو ماه پیش وقتی مجلس تصمیم به تفحص و رسیدگی به حساب‌های بنیاد مستضعفان گرفت، خامنه‌ای شتابزده رفیق دوست را پیش از موعد در سمت خود ابقاء کرد و مورد حمایت قرار داد.

با پول حکومت روزنامه‌ی دشمنان نظام چاپ می‌شود؟!

کیهان هوایی، روزنامه‌ی رسالت و روزنامه‌ی سلام در ایام درگیری حاد محافل مذهبی بر سر مرجعیت تقلید صف‌های دوست و دشمن را قاطی کردند. موضوع درج خبری در سلام به نقل از روزنامه‌ی ایران نیز بود. رسالت می‌نویسد: باید از روزنامه‌ی سلام سؤال شود، چرا خبری را که دشمنان این نظام و مملکت پخش کرده‌اند قبل از آنکه تأیید شود منتشر می‌کنند. سلام جواب می‌دهد: ظاهراً چون روزنامه‌ی ایران نیز انگلیسی زبان است مدیر کل اجرایی جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران تصور کرده است در خارج از کشور توسط دشمنان نظام و مملکت چاپ می‌شود. جالب توجه است که روزنامه‌ی فوق‌الذکر توسط افرادی منتشر و حمایت می‌شود که آنها مورد تأیید جامعه‌ی روحانیت مبارز هستند.



یک دختر خانم تهرانی در حال تماشای برنامه خبری تلویزیونی بی‌بی‌سی است که از طریق آنتن‌های بشقابی قابل دریافت است. هر روز تعداد بیننده‌های برنامه‌های تلویزیونی ما هواره افزوده می‌شود. حکومت در وضع و اجرای قانون منع استفاده از برنامه‌ها هواره موفقیتی بیش از آنکه در مبارزه با ویدئو دستگیرش شد، به دست نخواهد آورد. این راپاره‌ای از محافل حکومت فهمیده‌اند، اما گویا گروه رسالت مصراست آن تجربه را دوباره بیازمایند.

اعتراض دانشجویان دوره شبانه نسبت به افزایش شهریه تحصیلی

وزیر فرهنگ و آموزش عالی اعلام داشت که شهریه و هزینه های تحصیلی دانشجویان دوره شبانه دانشگاه های منطقه شمال شرق کشور از مهرماه سال آینده افزایش خواهد یافت، چرا که هزینه های دانشجویان از طرف مراکز آموزش عالی تأمین نمی شود.

انعکاس این تصمیم بلافاصله با عکس العمل دانشجویان دانشگاه بهشتی مواجه شد و آنان با ارسال نامه ای به وزیر فرهنگ و آموزش عالی

بخشنامه آن وزارتخانه در مورد افزایش ۱۳۰ درصدی شهریه را مغایر با مطالب مندرج در دفترچه راهنمای ثبت نام و انتخاب رشته های تحصیلی آزمون سراسری دانشگاه ها دانسته و برای این بخشنامه اعتبار قانونی قائل نگردیدند. در نامه دانشجویان آمده است در صورت عدم لغو این بخشنامه در تاریخ ۱۸/۱۰/۷۳ مقابل کتابخانه مرکزی دانشگاه تجمع و به طرف وزارت فرهنگ و آموزش عالی دست به تظاهرات خواهیم زد.

درباره تغییر سیاست هلند نسبت به پناهجویان ایرانی

هلند نام ایران را از لیست کشورهای نامن حذف کرده است

در ماه های اخیر تغییر قابل توجهی در سیاست وزارت دادگستری هلند نسبت به پناهجویان ایرانی اتفاق افتاده، که با حذف نام ایران از لیست کشورهای نامن برجسته شده است. همزمان با اعلام این اقدام توسط وزارت دادگستری هلند در روزهای پایانی ماه اکتبر، وزارت خارجه هلند نیز دست به اخراج پناهجوی ایرانی، که هنوز مراحل رسیدگی به تقاضای پناهندگی شان تکمیل نشده بود و جواب منفی قطعی نگرفته بودند زد. آنان را مستقیماً به ایران پس فرستاد. این تغییر یکروزه حادث نشده است. از بیش از یکسال پیش مذاکراتی بین مقامات هلندی و ایرانی بر سر پناهجویان ایرانی که از هلند تقاضای پناهندگی کرده اند، و امنیت آنان در صورت بازگرداندن شدن به ایران، جریان داشته است. بنا به اطلاع مطبوعات هلند، ایران تا این اواخر حاضر به پذیرش این قبیل پناهجویان نبوده است، اما در ماه اکتبر اعلام کرده است که هرگاه هويت آنان برایش محرز شود آنان را خواهد پذیرفت. اقدامات پیش گفته سئوالات و اعتراضاتی را درباره ای مجامع دموکراتیک و در مجلس هلند برانگیخته است.

در ماه های اخیر تغییر قابل توجهی در سیاست وزارت دادگستری هلند نسبت به پناهجویان ایرانی اتفاق افتاده، که با حذف نام ایران از لیست کشورهای نامن برجسته شده است. همزمان با اعلام این اقدام توسط وزارت دادگستری هلند در روزهای پایانی ماه اکتبر، وزارت خارجه هلند نیز دست به اخراج پناهجوی ایرانی، که هنوز مراحل رسیدگی به تقاضای پناهندگی شان تکمیل نشده بود و جواب منفی قطعی نگرفته بودند زد. آنان را مستقیماً به ایران پس فرستاد. این تغییر یکروزه حادث نشده است. از بیش از یکسال پیش مذاکراتی بین مقامات هلندی و ایرانی بر سر پناهجویان ایرانی که از هلند تقاضای پناهندگی کرده اند، و امنیت آنان در صورت بازگرداندن شدن به ایران، جریان داشته است. بنا به اطلاع مطبوعات هلند، ایران تا این اواخر حاضر به پذیرش این قبیل پناهجویان نبوده است، اما در ماه اکتبر اعلام کرده است که هرگاه هويت آنان برایش محرز شود آنان را خواهد پذیرفت. اقدامات پیش گفته سئوالات و اعتراضاتی را درباره ای مجامع دموکراتیک و در مجلس هلند برانگیخته است.

نمایندگان در این باره از وزارت امور خارجه توضیح خواستند. پاسخ وزارت مذکور همچنین تأیید کرد که کنترل این موضوع امری دشوار بلکه غیرممکن است و همین که خبری از افراد مذکور وجود ندارد را خبر خوبی دانست. با این حال این نظر را که ایران کشور امنی است تکرار کرد ولی نه برای همه و ارائه گزارش جدیدی از اوضاع حقوق بشر در ایران را، که در آن نیروهایی که در ایران فاقد امنیت هستند به مجلس داد. (آخرین گزارش از این دست در سال ۹۱ تهیه شده و مبنای رسمی سیاست دادگستری نیز پیش از این همین گزارش بود).

در آخرین روزنوامبر گزارش جدید وزارت امور خارجه ارائه شد. در این گزارش، بر خلاف گزارش های پیشین که در آنها تصویر نسبتاً جامعی از وضع حقوق بشر در ایران به دست داده می شد، به ترسیم وضع نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی اکتفا شده است. در گزارش آمده است: «هواداران سلطنت، نیروهای چپ همچون فدائیان خلق، مجاهدین خلق، شورای ملی مقاومت، حزب توده، احزاب میانه رو مثل نهضت

ادامه در صفحه ۹

خبرهای کوتاه

قیمت تعرفه های پزشکان ارزان است!

مرتدی وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی جمهوری اسلامی هفته ی گذشته در یک سخنرانی تحمل زندگی برای پزشکان جوان را به دلیل پایین بودن قیمت تعرفه های پزشکی نامیسر خواند.

تاکنون پزشکان از معدود اقشار اجتماعی در ایران بودند که دغدغه ی گذران زندگی برایشان چندان مطرح نبود. در سال های اخیر تخت حاکمیت جمهوری اسلامی برای نخستین بار در تاریخ ایران معضل بیکاری پزشکان به خصوص پزشکان جوان پدیدار شده است.

سازمان ملل نگران پناهندگان عراقی است

بخش پناهندگان سازمان ملل متحد از دولت ایران خواست که هزاران پناهنده شیعه عراقی را در مناطق دور از مرز اسکان دهد. یک مقام سازمان ملل گفت: ما در مورد سرنگشت یک گروه ۴۰۰ نفری از پناهندگان شیعه عراق که طی شش ماه گذشته وارد خاک ایران شده اند، نگرانیم. مقام مذکور گفت: بیشتر پناهندگان مریض هستند و هیچگونه امکان بهداشتی در اختیار ندارند. وی تعداد پناهندگان عراقی در ایران را بین ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر تخمین زد.

نفت ارزان، بشکه ای ۵ دلار

نماینده آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل متحد مدعی شد که رژیم عراق ضمن تخلف از تحریم های شورای امنیت سازمان ملل، نفت خود را به قیمت ۵ دلار از طریق ایران به فروش می رساند. نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل، این ادعا را رد کرد.

ارز فروشان سیاریانک مرکزی

اخیراً بعضی از عوامل بانک مرکزی با در دست داشتن معرفی نامه از این بانک مبتنی بر مجاز بودن آنها برای انجام معاملات ارزی بطور سیار در حاشیه ی بازار ارز به خرید و فروش ارز مشغولند.

برگزاری امتحان در ماه رمضان ممنوع شد

بر اساس بخشنامه ای که آموزش و پرورش صادر کرده است، در ماه رمضان حداقل نیم ساعت از کل ساعات درسی باید به قرائت قرآن در کلاس ها اختصاص یابد و برگزاری هر نوع امتحان ممنوع است و تکالیف باید به حداقل کاهش یابد.

تداوم چراغانی مبعث

از عید مبعث (۱۱ دی) شهر تهران همچنان چراغانی است و گفته می شود که این چراغانی ها تا ۲۲ بهمن ادامه خواهد داشت. این در حالی است که برق بسیاری از مناطق به علت کمبود قطع می شود و اداره ی برق به قصد صرفه جویی تصمیم به توزیع لامپ های کم مصرف برای مصارف خانگی دارد.

نصب پارکومتر جدید در تهران

ناصر و اهب مدیر عامل سازمان ترافیک تهران اعلام کرد که پنج هزار دستگاه پارکومتر جدید در مسیرهای اصلی درجه ی دو و فرعی منتهی به محدوده ی ترافیک تهران نصب می شود. رانندگان باید به ازای هر ساعت توقف اتومبیل شان در خیابان های اصلی ۴۰۰ ریال و در خیابان های فرعی ۳۰۰ ریال بپردازند.

اتوبان ساحلی در کرانه ی دریای خزر

مهندس رسول زآ معاون هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور جمهوری اسلامی هفته ی گذشته اعلام کرد مطالعاتی برای ایجاد یک اتوبان ساحلی در کناره ی دریای خزر در دست انجام است که در صورت احداث هم در حمل و نقل و هم در ایمن سازی نقاط شمالی بسیار مؤثر خواهد بود.

آب های زیرزمینی غیر قابل شرب می شود

غلامعلی خلخالی رئیس هیئت مدیره ی سازمان مطالعات و تحقیقات منابع آب کشور اعلام کرد که در صورت ادامه روند فعلی آلوده سازی آب های زیرزمینی کشور، طی ده سال آینده کلیه ی این منابع آلوده و غیر قابل شرب می شوند. وی حساب بالا بنگاه ها و مناطق صنعتی و نیز فاضلاب شهری و بیمارستانی را جزو اصلی ترین منابع آلوده کننده ی آب های زیرزمینی دانست.

روزانه دو تن سرب وارد هوای تهران می شود

به گفته ی معاون پژوهشی شرکت کنترل کیفیت هوا وابسته به شهرداری تهران تردد روزانه یک میلیون اتومبیل در تهران و مصرف بیش از ۷ میلیون لیتر بنزین روزانه دو تن سرب وارد هوای تهران می کند. به گفته ی وی بیش از ۵۰ درصد ماشینهای سواری تهران دارای عمر متوسط بین ۱۸ تا ۲۸ سال می باشند.

رویدادهای ورزشی

پایان رقابت های دو گروه در فوتبال قهرمانی کشور

تیم های پیروزی، استقلال، کشاورز و سایپا، چهار تیم پایتخت نشین، به مرحله نیمه نهایی رقابت های فوتبال قهرمانی کشور رسیده اند

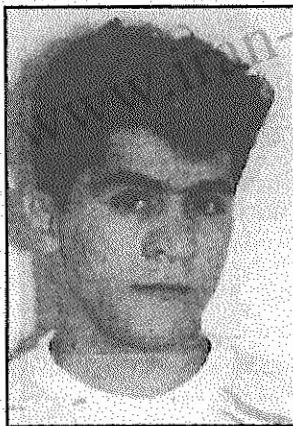
مسابقات دو گروه در چاچوب فوتبال قهرمانی کشور پایان یافت. در آخرین روز در گروه یک، استقلال تهران به تساوی یک بریک با جنوب اهواز تن داد. چوکای بندرانزلی پس از تساوی با پارس خودرو تهران به تیم های سقوط کننده به دسته دوم پیوست. سپاهان اصفهان سه بریک پیام گچ خراسان ریا شکست مواجه ساخت. وبلا پیش قائم شهر هر چند به پیروزی دو بر صفر در برابر صنعت نفت دست یافت ولی بخاطر تفاضل گل کمتر از حضور در رقابت های دسته یک فوتبال ایران محروم شد. سایپای تهران تیم صدر جدول گروه اول در آخرین دیدار در گروه خود در برابر شهرداری تبریز تنها به یک امتیاز رضایت داد.

پس از پایان گرفتن رقابت های گروه اول تیم های سایپا و استقلال تهران به مرحله نیمه نهایی جام راه یافتند و پالا پیش قائم شهر، چوکای انزلی، تجارت تهران، پیام گچ خراسان، پارس خودرو تهران و صنعت نفت آبادان دسته دومی شدند. ماشین سازی تبریز، شهرداری تبریز، جنوب اهواز و سپاهان اصفهان چهار تیمی هستند که سال آینده نیز در مسابقات فوتبال قهرمانی کشور حضور خواهند داشت.

در گروه دوم راهیابی پیروزی و کشاورز تهران به دور نیمه نهایی قطعی شد. سقوط ملوان بندرانزلی تیم مشهور و محبوب شمال کشور مان به

درگذشت

عادل میرابیان



عادل میرابیان قهرمان شیرجه و عضو تیم ملی ایران در بازی های المپیک آسیایی پکن و هیروشیما، هفته گذشته بر اثر سرمازدگی در ارتفاعات تاریک دره کوه الوند جان سپرد.

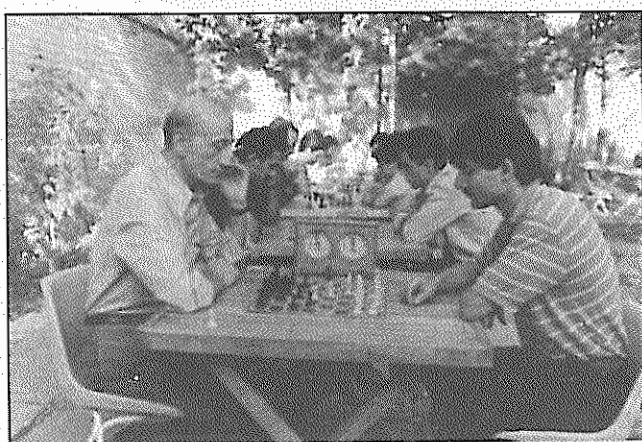
نشریه کارفقدان عادل را به خانواده او و جامعه ورزشی ایران تسلیت می گوید.

بازسازی تأسیسات مجموعه ورزشی آزادی

مرکز تحقیقات وزارت مسکن انجام می شود. مبلغ قرارداد بازسازی تأسیسات این مجموعه ۵۶۰ میلیون ریال است و شامل بازسازی تأسیسات آبرسانی و موتورخانه ۵ سالن، بازسازی سیستم خنک کننده و صوبتی ورزشگاه ۱۰ هزار نفری و رنگ آمیزی دکلهای روشنایی و نرده های این ورزشگاه نیز می باشد.

بازسازی تأسیسات مجموعه ورزشی آزادی که در سال های اخیر به دلیل نداشتن یک مدیریت اجرایی کارآمد در وضعیت بسیار دردناکی به سر می برد، قرار است در هفته جاری آغاز شود.

مهندس اصلانی مدیر کل مجموعه ورزشی در مصاحبه ای گفت: بررسی علل نشست ورزشگاه یک صد هزار نفری آزادی از سری



شترنج، تنها ورزشی که پیرو جوان نمی شناسد. مسئولین رژیم بعد از یک دوره تحریم، اکنون قول ایجاد مدرسه شترنج داده اند

سقوط ارزش ریال دوباره از سر گرفته شد

- قیمت اغلب کالاها اساسی مجدداً رو به افزایش گذاشت
- بهای هر دلار آمریکا در بازار آزاد از ۳۳۰ تومان رسید
- سکه های طلای فاقد تصویر خمینی ۵ هزار تومان گرانتر به فروش می رسد

شهرنشینان تهرانی نوشته است: جای تعجب است که پس از این همه وعده و وعید در مورد کنترل قیمت ها و مبارزه با گرانی، به نتایج چندانی مناسبت نرسیده است. در هفته های اخیر قیمت سکه های طلا نیز بشدت دچار نوسان شده است. در دو سالی که از اجرای سیاست تک ترخی کردن ارز می گذرد برخلاف نرخ ارزهای خارجی، بهای سکه های طلا افزایش بسیار کندی داشت. اما اخیراً این افزایش بسیار چشمگیر بوده است بطوریکه اواخر هفته

مصرفی مردم داشت. این افزایش قیمت ها شامل آن بخش از کالاها ای اساسی نیز می شود که طی سه ماه اخیر در چارچوب برنامه تنظیم بازار و کنترل قیمت ها، زیر نظارت دولت بود. اقلامی چون روغن نباتی، کره، پنیر، مرغ، تخم مرغ، حبوبات و جای در سه هفته گذشته دوباره گران شدند. در موازات افزایش قیمت ها به ۲۰ تا ۲۵ درصد رسیده است. به این ترتیب برنامه های دولت برای مبارزه با گرانی که آنهمه برایش سر و صدا به پا کردند، ناکام ماند. روزنامه سلام از قول یکی از

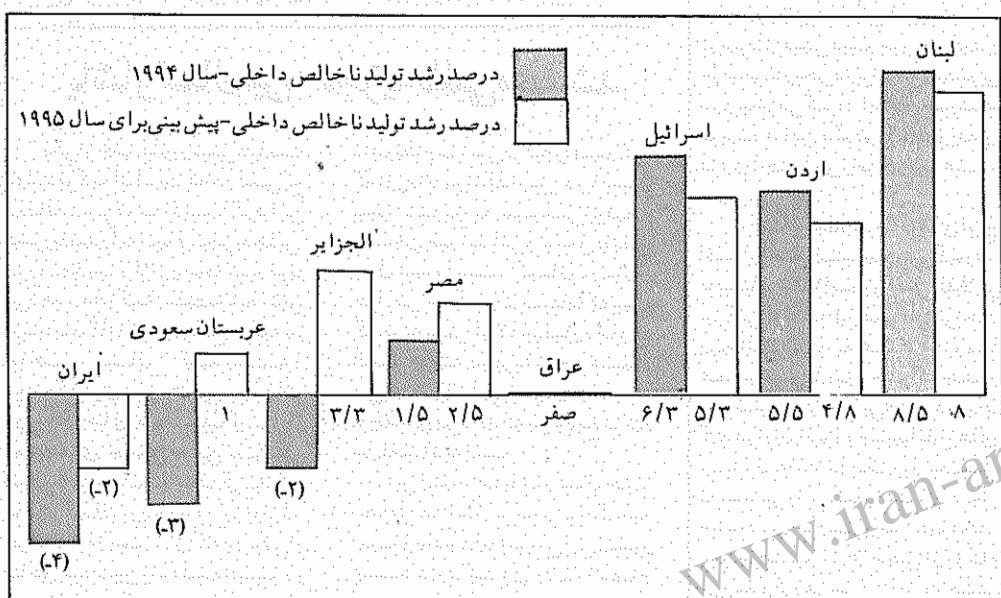
بهای ارزهای خارجی در بازار آزاد از پس از وقفه ای کوتاه مجدداً رو به صعود گذاشت و اواخر هفته گذشته هر دلار آمریکا به نرخ بی سابقه ۳۳۰ تومان معامله شد. این شدیدترین سقوط ارزش پول ملی از هنگام اجرای شناور کردن نرخ ارز توسط دولت است. وقفه کوتاه سه ماهه اخیر در سقوط مستمر ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی نتیجه جابجایی بود که دولت در مبارزه با گرانی و کنترل بهای ارز به راه انداخت. اما همینکه بازار از حس کرد که برنامه اقدامات دولت بی پایه و سر و صدائی بیش نیست، سیر صعودی بهای ارزهای خارجی مجدداً از سر گرفته شد. سروکله دلالان ارز از نو بیدار شده و بازار سیاه ارز رونقی دوباره یافته است. سقوط ارزش برابری ریال در برابر ارزهای خارجی تا تیرانی در افزایش بهای کالاها و خدمات

آمار درآمد سرانه در کشورهای منطقه در سال ۱۹۹۴

منبع سالنامه اگونومیست ارقام به دلار	ایران	عراق	اسرائیل	مصر	اردن	لبنان	عربستان	الجزایر	پاکستان	کازاخستان	هند	روسیه	اوکراین	ترکیه
۴۴۰	۸۷۰	۱۴۰۸۰	۹۱۰	۱۳۳۰	۱۲۰۰	۶۸۳۰	۱۵۱۰	۴۳۰	۱۲۴۰	۳۰۰	۲۲۷۰	۶۰۰	۱۹۹۰	

مطابق آمار سالنامه اگونومیست درآمد سرانه اعضای اتحادیه اروپا، کشورهای اسکاندیناوی و آمریکا و کانادا بین ۲۰ تا ۲۷ هزار دلار، درآمد سرانه پرتغال و یونان بین ۸ تا ۸ هزار دلار، مجارستان و چک ۴ هزار و بقیه کشورهای اروپای شرقی بین ۱۲۰ تا ۲۲۰ دلار است. ژاپن با ۳۷۵۸۰ دلار درآمد سرانه در سال در رأس همه کشورهای قرار دارد. ژاپن هم چنین طی سال های اخیر بین تمام کشورها بیشترین مازاد و موازنه ارزی (به طور متوسط سالانه ۱۴۰ میلیارد دلار) را داشته است. تنها کشورهایی که طبق این گزارش سطح تولیدات ملی آنان هم چنان در حال سقوط است، ایران و روسیه اند.

مقایسه تولید ناخالص داخلی کشورهای خاورمیانه با ایران



با تشدید مبارزات تبلیغاتی مخالفین نفتا و اتحادیه های کارگری و تهدید آنها مبنی بر اینکه هواداران نفتا در کنگره آمریکا بهای گزافی در انتخابات آینده خواهند داد و پشتیبانی اتحادیه های کارگری را نخواهند گرفت، موافقت نامه ای جانبی به قرارداد نفتا اضافه گردید تا شاید بتواند خشم اتحادیه های کارگری را خاموش سازد. چنانچه قبلاً مطرح شد مسئله اتحادیه های کارگری، از دست دادن بازار کار در ایالات متحده، در اثر سرزیر شدن سرمایه ها و صنایع به مکزیک می باشد. همچنین از آنجایی که قوانین مدافع حقوق کارگران در مکزیک وجود ندارد و قوانین ضعیف قانون کار، نیز از طرف حکومت، مراعات نمی شود، لذا مکزیک محیط ایده آلی برای سرمایه داران می باشد. با امضا قرارداد جانبی نفتا، کمیسیون، مرکب از نمایندگان سه کشور، نظارت بر قوانین کارگری را به عهده خواهد گرفت. مراعات قوانین کارگری، از طرف سه کشور اختیاری است. جریمه های مالی و اقتصادی به عنوان آخرین حربه در موارد خاص، بر علیه کشور ناقض قوانین کارگری، در نظر گرفته شده است. در این مورد برای آنکه صدای کارگران در ایالات متحده آمریکا، خاموش شود، نود میلیون دلار بودجه برای هیجده ماه اول شروع این قرارداد، برای آموزش مجدد کارگران در زمینه های صنعت نورد نظر گرفته شده است. علیرغم همه مشکلات ناشی برای کارگران و همچنین

پهنه سیاست داخلی آمریکا گردیدند، بیل کلینتون بعداً با استفاده از جو موجود، نظریه "تغییر" را راستای اصلی مبارزه انتخاباتی خود قرارداد و توانست در انتخابات پیروز شود. مخالفت شخصی مثل راس پرو که خود از قوانین ضد کارگری دوران ریگان و همچنین تخفیف های مالیاتی وی به نفع سرمایه داران بزرگ آمریکایی، بیشترین سودها را برده بود، با نفتا که در واقع می تواند ثروت هنگفت او را چندین برابر کند، از اهمیت خاصی برخوردار است. مخالفت راس پرو، با نفتا در اصل جنبه سیاسی دارد تا اقتصادی، پرو با علم کردن اینکه نفتا باعث نابودی نیروی کار در ایالات متحده خواهد شد، در صدد است تا اتحادیه های کارگری و بخش های طبقه متوسط، که به طور سنتی هوادار حزب دمکرات می باشند را به سوی حزب نروخواسته خود "ما متحد خواهیم ایستاد" جذب کند. پرو امروز بیشتر در پی آن است که نام خود و خانواده اش را در کتابهای تاریخ جاودانی سازد و به لیست روسای جمهوری آمریکا بپیوندد. دفاع راس پرو از طبقه کارگر در شرایط فعلی و مقابله با نفتا، نه ریشه در اعتقاد واقعی او به طبقه فقیر و نیروی کار در آمریکا دارد، بلکه اعتقاد او به کیش شخصیت تحت لوای دمکراسی است. او، مثل بسیاری از اصصیت های دیگر، از شرایط مالی، طبقاتی طبقه کارگر و طبقه میانی در آمریکا استفاده می کنند تا بتواند جایگاه خود را در تاریخ به عنوان دوستدار آمریکا و مردم و رئیس جمهور آینده آمریکا، تعیین سازد.

را به حربه ای برای بدست آوردن امتیازاتی از کاخ سفید تبدیل کردند و بعداً در نشست های مختلفی که با بیل کلینتون و اعضای کابینه او داشتند، به زدوبند های پشت پرده دست زده، و موافقت خود را با نفتا اعلام نمودند. در بین مخالفین نفتا، گروه ها و ائتلاف ها در پارلیامنتیست نقش فعالی را بازی کردند. به علت آلودگی بیش از اندازه محیط زیست، اعم از هوا و آب و خاک در مکزیک و بی توجهی زمامداران این کشور در امر نظارت بر قوانین موجود در این زمینه و همچنین عدم وجود قوانین پیشرفته برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست توسط صنایع مکزیک، ناظران و هواداران اعمال قوانین پیشرفته در امر پاکیزگی محیط زیست در آمریکا را وارد ابره مخالفت با نفتا نمودند. بر اساس تخمین های این سازمانها، توجهی به تعیین دستگاه های تصفیه در صنایع موجود خود در مکزیک ندارند، پیش بینی می کنند که آلودگی در مکزیک پس از قرارداد نفتا، وخیم تر خواهد گردید که باعث از بین رفتن بسیاری از حیوانات، نباتات، و محیط زیست به طور کلی خواهد شد. در میان مخالفین نفتا، همانطور که ذکر شد، میلیاردر معروف راس پرو بود. پرو، در انتخابات گذشته به عنوان کاندید رئیس جمهوری، به مخالفت با جمهوریخواهان برخاست، و با پیش کشیدن تز تغییر باعث خروشی در میان طبقه متوسط آمریکایی شد و هواداران وی در مدت کوتاهی به فعالیت دامنه داری دست زدند و تبدیل به نیروی سیاسی قابل ملاحظه ای در

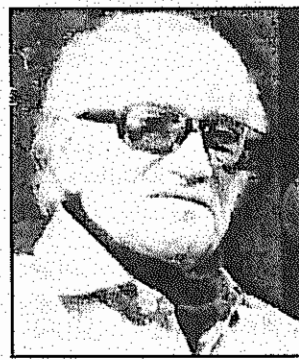
قرارداد نفتا و آینده اقتصادی قاره آمریکا

در کانادا، صنایع کانادایی با مشکلات بیشتر و درآمد کمتری روبرو بودند. با قرارداد تجاری ۱۹۸۹ که بخشی از موانع را بر امور تجاری بین دو کشور از میان برداشت، صنایع کانادایی زمینه مناسبی برای انتقال سرمایه های خود به آمریکا دیدند که سوددهی آنها را تحت قوانین آمریکا بیشتر ساخت. به خاطر تجربه تاریخی بدست آمده توسط کارگران کانادایی و بخش های طبقات میانی شاغل در امور خدمات، حزب لیبرال با پیش کشیدن موضوع جلوگیری از انتقال سرمایه و مخالفت با قرارداد نفتا در شکل فعلی اش، توانست حمایت این بخش وسیع از کارگران و طبقات را به خود جلب کند که یکی از علل تصاحب اکثریت کرسی های پارلمانی توسط این حزب گردید. لیکن حزب لیبرال، همانطور که در گذشته نشان داده است، به وعده های انتخاباتی خود پای بند نخواهد بود. ناپایداری حزب لیبرال به وعده هایش، از صحبت های رئیس جمهور آمریکا، بیل کلینتون، روز بعد از پیروزی نخست وزیر فعلی کانادا، بخوبی روشن گردید. کلینتون در پی صحبت تلفنی اش با نخست وزیر کانادا، در مصاحبه با خبرنگاران داخلی و خارجی مطرح نمود که هیچ گونه مخالفتی از طرف کانادا در مورد قرارداد نفتا، در شکل فعلی اش انتظار نمی رود و حکومت کانادا انتظار در شکل فعلی اش، به طور کلی قبول خواهد نمود. عقب نشینی حزب لیبرال کانادا از مواضع اش، باعث تضعیف صف مخالفین نفتا در داخل آمریکا گردید. در آغاز مخالفین نفتا در ایالات متحده صفتی فشرده و نیرومند را تشکیل می دادند. اتحادیه های کارگری به طور یکپارچه به مخالفت با قرارداد نفتا برخاستند. این مخالفت، همزمان با اعلام مخالفت میلیاردر معروف تکزاس راس پرو، با این قرارداد گردید، اقلیتی از نمایندگان وابسته به حزب جمهوری خواه و اکثریتی از نمایندگان وابسته به حزب دمکرات به اتحادیه های کارگری پیوسته و مخالفت خود را با این قرارداد اعلام نمودند. نمایندگان مخالف، اکثر نمایندگان حوزه های کارگرنشین بودند و ترس از دست دادن انتخابات آینده، بسیاری از آنها را به مخالفت با بیل کلینتون مجبور ساخته بود. در مقابل، تعدادی از این نمایندگان، مخالفت با قرارداد نفتا

سرمایه و صنایع آمریکایی، با دست اندازی بر مکزیک، بیشترین منافع را به جیب خواهند زد. با سرمایه گذاری در مکزیک، از سوی باقیمت نازل نیروی کار در آن کشور، بیشترین استثمار را انجام خواهند داد و از طرف دیگر، به خاطر پایین بودن قیمت مواد اولیه در مکزیک و با حفظ قیمت های بین المللی بر اجناس ساخته شده، منافع هنگفتی نصیب سرمایه های آمریکایی خواهد گردید. در سال ۱۹۹۲ درآمد متوسط سرانه در آمریکا حدود ۲۴۲۱۳ دلار برای کانادا ۱۹۹۶۸ دلار بوده که این رقم برای مکزیک حدود ۴۱۶۷ دلار می باشد. دستمزدهای کارگر صنعتی در آمریکا و کانادا حدود ۱۶/۶۲ دلار در ساعت می باشد. در مقابل دستمزد یک کارگر صنعتی در مکزیک ۲/۵۶ دلار در ساعت برآورد گردیده است. اختلاف در سطح درآمد و دستمزدها در دو کشور آمریکا و کانادا مکزیک بدون در نظر گرفتن بقیه امتیازات این قرارداد، به نفع سرمایه های آمریکایی و کانادایی، خود می تواند منبع درآمد سرسام آوری برای سرمایه های این کشورها باشد. پایین بودن سطح دستمزد و قیمت نازل نیروی کار و وسایل اولیه در مکزیک، باعث انتقال صنایع و سرمایه از آمریکا و کانادا به مکزیک گردیده که باعث از دست رفتن تعداد زیادی از مشاغل در بخش تولیدات در کشورهای آمریکا و کانادا خواهد شد. علت مخالفت همه اتحادیه های کارگری آمریکا و کانادا با تصویب قانون نفتا، ریشه در این موضوع دارد. این مخالفت، در کانادا از قدرت بیشتری برخوردار بوده چرا که اتحادیه های کارگری خود به چشم دیده اند که پس از قرارداد ۱۹۸۹ بین آمریکا و کانادا، بخشی از صنایع کانادایی به ایالات متحده انتقال داده شد که باعث بیکار شدن تعداد زیادی از کارگران و طبقه میانی کانادایی در مناطق صنعتی مثل ایالت آنتاریو گردید. در دهه ۸۰، به خاطر کاهش مالیات بر درآمد های صنایع، و روشن ضد کارگری ریگان - بوش، سودهای بزرگی نصیب سرمایه های فعال در آمریکا گردید. در مقابل، اتحادیه های کارگری در کانادا که به طور سنتی نیرومندتر از اتحادیه های آمریکایی هستند و همچنین به خاطر مالیاتهای بیشتر بر صنایع و بهتر بودن خدمات اجتماعی

با یک بررسی اجمالی در ۹ مورد اول، طرفداری صنایع بزرگ اتومبیل سازی آمریکا و کانادا، شرکت های محابراتی و بانکهای آمریکا و همچنین شرکت های کوچک اونها قابل درک می گردد. این قرارداد، در نهایت بازار بزرگی را بر روی صنایع آمریکا و کانادا باز کرده و باعث آکنشاف هر چه بیشتر سرمایه های این کشورها خواهد گردید. از طرفی تخمین زده می شود که صنایع ضعیف مکزیک، با جذب سرمایه های بزرگ آمریکایی و کانادایی، با شکوفایی اقتصادی روبرو خواهند شد و درآمد کمی متراز بیست سال، صنایع مکزیک، قادر به رقابت در عرصه بین المللی خواهند گردید. بر اساس برآوردهای فعلی و شاخص های اقتصادی، صادرات آمریکا به کانادا به رقمی حدود ۱۷۲/۵ میلیارد دلار برای سال ۲۰۰۰، تخمین زده می شود. صادرات آمریکا به کانادا در ۱۹۹۲، حدود ۹۰/۴ میلیارد دلار می باشد. در مقابل واردات آمریکا از کانادا حدود ۲۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ خواهد بود که این رقم در سال ۱۹۹۲ حدود ۱۰۰/۷ میلیارد دلار بوده است. واردات ایالات متحده از مکزیک در سال ۱۹۹۲، معادل ۳۵/۹ میلیارد دلار بوده که این به رقمی حدود ۱۰۲/۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ خواهد رسید. صادرات ایالات متحده به مکزیک در سال ۱۹۹۲، حدود ۴۰/۶ میلیارد دلار بوده است. صادرات ایالات متحده به مکزیک در سال ۱۹۹۲، حدود ۱۳۳/۵ میلیارد دلار برآورد می گردد. بر اساس این تخمین ها برآورد شده که صادرات آمریکا به مکزیک با افزایش چشمگیری همراه خواهد بود، در حالیکه نسبت به کانادا، با کسری صادرات - واردات روبرو خواهد بود. از آنجا که ایالات متحده از اقتصادی به مراتب وسیع تر و قویتر نسبت به دو کشور کانادا و مکزیک برخوردار است، سهم اقتصادی اش در فعالیت های اقتصادی حدود ۸۵ درصد کل فعالیت های نفتا خواهد بود. با در نظر گرفتن جمعیت سه کشور و مخصوصاً جمعیت مکزیک که در حال حاضر (۱۹۹۳) حدود ۸۲/۷ میلیون نفر می باشد، بازاری با جمعیت ۳۷۱/۴ میلیون نفر به وجود خواهد آمد که بیشتر عرضه تاخت و تاز سرمایه های آمریکایی خواهد بود.

در گذشت یک موسیقیدان



حشمت سنجری آهنگساز و موسیقیدان برجسته ایران اوایل ژانویه امسال (اواسط دیماه) به سن هفتاد سالگی در تهران چشم از جهان فرو بست. سنجری از جمله موسیقیدانی بود که هم به دستگاه ها و گوشه های موسیقی سنتی ایران آشنا بود و هم تکنیک ها و روش های موسیقی نوین را می شناخت. وی آموزش موسیقی را در دوران کودکی نزد والدین خویش آغاز کرد و سپس در نزد استادانی همچون علینقی وزیری، صبا و خالقی به آموختن تار و ویولون پرداخت. سنجری دیرتر به هنرستان عالی موسیقی گام نهاد و در محضر پرویز محمود، آهنگساز و استاد چیره دست موسیقی فن رهبری ارکستر آموخت و خود پس از مرگ استادش رهبری ارکستر هنرستان را به عهده گرفت.

سال ۱۳۳۳ سنجری به سرپرستی و رهبری ارکستر سمفونیک تهران

برگزیده شد و نزدیک به ۲۸ سال در هدایت، گسترش و تکامل این ارکستر نقش ارزنده ای ایفا نمود. سنجری پس از انقلاب نیز به رغم بازنشستگی مجدداً سرپرستی ارکستر سمفونیک تهران را به عهده گرفت، لیکن نابسامانی اوضاع و سبزیبایی اعتنای جمهوری اسلامی نسبت به مسایل هنری مانع از اعتلای این ارکستر و پوشش و تکامل آن گردید.

سنجری در آهنگسازی نیز قریحه و دستپاچه توانا داشت و آهنگ های زیبایی آفرید که از جمله آنها می توان از "سوئیت های پنجگانه" (تابلوهای ایران)، "رنگارنگ" نام برد.

یاشار کمال نیز به تجزیه طلبی متهم شد

داد و نظام سیاسی ترکیه را متهم کرد که از زمان بنیانگذاری در ۷۱ سال پیش بتدریج به سیستمی از قید و بند های غیر انسانی و تحمل ناپذیر بدل شده است. کمال درباره عوارض جنگ در کردستان که سال گذشته بیش از ۱۲ میلیارد مارک آلمان هزینه در برداشته، هشدار می دهد و نداند آن را زمینه ساز فاجعه ای می داند که در تاریخ ترکیه سابقه نداشته است.

این انتقادات یاشار کمال خشم محافظان حاکم ترکیه را برانگیخته است و دادستان امنیتی این کشور قصد دارد که وی را به اتهام "تجزیه طلبی" مورد محاکمه قرار دهد. در صورتی که دادگاه ادعای دادستان را بپذیرد، کمال به سه تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد.

بدرفتاری با بزرگان فرهنگ و ادبیات و تعقیب و آزار آن ها ظاهراً به رسمی رایج در ترکیه بدل شده است. ناظم حکمت شاعر انسانگر، عدالتجو و بلند آوازه ترک بخشی از عمر خود را در تبعید به سر آورده و هنوز هم محافظان ارتجاعی ترکیه با انتقال جسد او از مسکو به ترکیه مخالفت می کنند. عزیز نسین نیز که دو سال پیش از آتش افروزی حزب اللهی ها معجزه وار رهایی یافت اینک از سوی دادگاه متهم به "تحریک مردم و آهانت به مقدسات" آن ها شده است.

یکی از جنبه های رسمی سیاست دولت ترکیه آن است که هر کسی که مخالف سرکوب اقلیت کرد این کشور باشد را به اتهام "تجزیه طلبی" مورد تعقیب و آزار و محاکمه قرار می دهد. محاکمه مفتضحانه ۵ تن از نمایندگان کرد مجلس ترکیه در اواخر سال گذشته، بمب گذاری های مکرر در دفاتر روزنامه های مختلف و ... از نمونه های عملی چنین سیاستی است. این سیاست انبک گریبانگیز یاشار کمال نویسنده "پراوازه" ترک شده است. وی که در یکی از مناطق کردنشین زاده شده است، در کنار ناظم حکمت و عزیز نسین از سرآمدان ادبیات معاصر ترکیه به شمار می رود و آثار او به بیش از سی زبان زنده دنیا و از جمله به فارسی ترجمه شده اند. این شهرت کمال اما سبب مصون ماندن او از تعقیب و آزار دولت نبوده و وی بارها به خاطر انتقاد نسبت به نقض آزادی و نبود عدالت اجتماعی به زندان افتاده است. کمال دو هفته پیش نیز در مقاله ای در مجله آلمانی اسپیکل سیاست دولت ترکیه در مورد کردستان را به شدت مورد انتقاد قرار داد و رهبری ترکیه را به سرکوب کردها و محروم کردن آن ها از حقوق اساسی شان متهم نمود. او ممنوعیت زبان کردی در مدارس و رسانه های گروهی را "جنایتی علیه انسانیت" لقب

درباره آخرین فیلم نیکیتا میخالکوف

خورشید فریبنده

۵. احمدیان



نیکیتا میخالکوف، نادیامیخالکوف و ایزبوره گادابکوفات در "خورشید فریبنده"

"روس ها از حال متفرد و از آیند هراسان، آنها گذشته را می ستایند." چخوف

نیکیتا میخالکوف، فیلمساز شهیر روس، این بار نیز همچون فیلم های قبلی خود، "پنج شب نشینی"، "ابلموف"، "اورگا" و غیره فیلم خود را بر تم اصلی نوستالژی استوار کرده است. در پنج شب نشینی "مردی معشوقه ی پیش از جنگ خود را می یابد و در این آشنایی مجدد، گذشته، بار دیگر شکل می گیرد. در "ابلموف" که بر اساس داستانی از گونچارف ساخته شده، ایلیا چابلموف در خانه ای رویایی قصه های مادرش در دوران کودکی خود را با خاطراتی آورد و در "اورگا" این حسن نوستالژیک از میان باورهای فرهنگی قومی گومبو، پرسوناژ اصلی فیلم عبور می کند و

موضوعی تاریخی در برابر مدرنیسم بی درو بیگرمی گیرد. اما در "خورشید فریبنده" این نگرش هر دو وجهی فردی اجتماعی را با خود به همراه دارد.

داستان فیلم در سال های اوج اقتدار استالینیسیم می گذرد. تابستان ۱۹۳۶ است و کلنل انقلابی سرگئی کوتوف (با نقش آفرینی خود میخالکوف)، به همراه ماروسیا همسرش و نادیا دختر کوچک و پاهوشش، به روستایی آرام، در میان گندمزاران آنبوه و چشم اندازهای زیبا رفته اند تا یک روز تعطیل تابستانی را در کنار اعضای دیگر خانواده ی خود بپسروشند. همزمان، پیونیرها نیز در آن محل اردوگاه می زنند و گروهی نیز به مناسبت جشنی میهنی تصویر بزرگ استالین را در محدوده ی دهکده بر بالونی عظیم برپا می کنند.

تمام ماجرای فیلم در همین یک روز تابستانی می گذرد. در خانه ی خانوادگی دور افتاده ای که گوئی در آن زمان متوقف شده است و مادر بزرگ نیز می گوید: "همه چیز راد یو فرانسو: می دانیم که ما نویسنده ایم با اینکه اگر اشتباه نکنم در هیچ یک از روزنامه های فارسی رسمی ایران انعکاس نیافت و اکثراً هم نسبتاً پرهیاهویی را برانگیخت. انگیزه و هدف نوشتن نامه چه بود و این نامه در پاسخ به چه نیازی و خطاب به چه کسی نوشته شد؟

همچون گذشته است، روزی شاد و خوش آغاز می شود. آفتاب گرم، آرامش محیط و صمیمیت خانوادگی فیلم، تا زمانی که دیمیتری، دوست خانوادگی و معشوق سابق همسر کلنل، پس از سال ها غیبت به جمع می پیوندد، تنها نماینی ظاهری از این نوستالژی را با خود دارد. از این هنگام فیلم با زبانی حکایت گونه، ظهر تابستان را به روزی بیداری عشقی گمشده مبدل می سازد.

دیمیتری، این جوان خوش برخورد و شوخ و با استعداد، آمده است تا به ما موریت خود از سوی پلیس سیاسی (دستگیری کلنل مردمی) عمل کند.

ماروسیا با دیدار دیمیتری منقلب می شود. شخصیت پر جوش دیمیتری همه را مجذوب خود می کند و حضور او چهره ی مهربان کلنل را به سایه می کشد. این وجه از شخصیت دیمیتری و از سوی دیگر ما موریتی که در پیش دارد و هیچکس از آن آگاه نیست، از او پرسوناژی ضد قهرمان و در عین حال دوست داشتنی و غیر متعارف می سازد. در طول فیلم غلیان خاطرات نوستالژیک دو معشوق همواره با شادی و پاکوبی پس از آن پوشش می یابد. میخالکوف تا نیمه های فیلم در راه ایجاد فضایی گرم و طنز آلود، به شکل دادن پرسوناژهایش می پردازد. در این بخش گرانگه اصلی فیلم رابطه ی ماروسیا و دیمیتری است. رقص ها، بازی ها، شوخی ها و آب تنی کردن های خانوادگی در دریاچه ی کوچک دهکده همه و همه تماشاگر را با فیلمی به ظاهر ساده، روان و خانوادگی طرف می کنند. اما درست از آن لحظه که دیمیتری در سکانسی طولانی به نقل داستانی می پردازد که بیان عشق از دست رفتن خود به

براهنی: من فکرمی کنم یکی از مشکلات اصلی نویسندگان ایران در طول این ۲۵ سال گذشته، از زمانی که کانون نویسندگان تشکیل شده، مسئله برخورد با سانسور بوده است. به همین دلیل در مقاطع مختلف نویسندگان ایران سعی کرده اند این مسئله را به صورت دسته جمعی عنوان بکنند، به دلیل هریک از این ها (هر کس) به صورت خصوصی با این مسئله برخورد خاص خودش را داشته ولی برخورد عام و برخورد صنفی با این قضیه از سال ۱۳۴۷ شروع شد و در مقاطع مختلف حرکت، خودش را به صورت جمعی نشان داد و این حرکتی که برای (نوشتن) متن ۱۳۴ نویسنده شده و ۱۳۴ نفر آن را امضا کردند، یکی این است که حتماً نویسندگان در شرایط جدید تعریف بشود که به طور کلی نویسندگان چه کاره است. دوم اینکه مشخصات اصلی کارهایی که او می کند - مخصوصاً ۸ کاری که ما آنجا نوشته ایم چیست؟ در عین حال

می گوئیم مکانیزم سانسور در ایران از بین برود

متأسفانه در صفحه بندی شماره پیشین نشریه، پاراگراف هایی از مصاحبه رضا براهنی را یاد فرانسو جایجا شده بودند. با پوزش از خوانندگان بخاطر این اشتباه آن مصاحبه را مجدداً در این شماره چاپ می کنیم.

برخورد ما این بود که به ما به عنوان نویسنده نگاه بکنند و در عین حال مخالفت با تمام انواع سانسور و مکانیزم های مختلف سانسور در این نامه آمده است.

این نامه در ایران به آن صورت که باید چاپ نشد، در روزنامه کیهان هوایی یکبار چاپ شد (همراه) با فحش ها و وید و بیراه ها و تحریف نظرات نویسندگان، یکبار هم در مجله گردون چاپ شده که در آنجا هم تحریف نظرات مخصوصاً گروه ۸ نفره پیش آمده است. گروه ۸ نفره گروهی بودند که بالاخره بعد از اینکه یک جمع بزرگتر که جمع مشورتی خوانده می شد کارشان را تمام کردند، توزیع نامه و گرفتن امضاها را به آنها محول کردند و آنها با پشتکار تمام با تماس گرفتن با نویسندگان و شاعران مختلف سعی کردند که امضاها ایشان را بگیرند و نهایتاً نامه را نخست در ایران و در حدود ۶-۷ روز بعد از آن بفرستد به

خارج از ایران تا اینکه در جاهای دیگر بخش بشود. هنوز متأسفانه هیچکدام از روزنامه های بزرگ ایران و مجلات مختلف متن نوشته را چاپ نکرده اند و گرچه گهگاه اشاراتی شد و گاهی در روزنامه مخصوصاً کیهان اشارات فوق العاده ناجوری نسبت به نامه صورت گرفته است.

راد یو فرانسو: پس از انتشار نامه برخی از نویسندگان با اشاره به انعکاسی که این خبر در رسانه های گروهی غرب یافته و همچنین به شیوه های غیر موقراتیکی که در نحوه جمع آوری امضاء گویا به کار رفته است اظهار ناخشنودی کرده اند. نظر شما در این مورد چیست؟

براهنی: من معتقدم اولاً هیچگونه کار غیر موقراتیکی نشده، یکی از کسانی که می خواست حتماً اسم یکی از روزنامه نگاران در متن بیاید، اما ما از ابتدا هم گفته بودیم

برنده جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره کن ۱۹۹۴



نیکیتا میخالکوف، نادیامیخالکوف و ایزبوره گادابکوفات در "خورشید فریبنده"

پوشانده است، ما را به یاد صحنه پردازی های فلیسی می اندازد. در اینجا استبداد با تمام اقتدار خود بر فراز دهکده (سرزمین) خیمه زده است و راننده ی کامیونی که از ابتدای فیلم راه خود را گم کرده است در این نما بار دیگر پیدا می شود و نشانی خود را از ما مورین می پرسد و تنها کلنل کوتوف است که مقصد او را می شناسد و این نمادی است از گمگشتگی تاریخی از آن زمان تا به امروز مردم شوروی که کلید آن شاید در دست نسل منقرض انقلابیون واقعی (کوتوف ها) باشد!

رابطه ی تماتیک این دو بخش، همان مفهوم نوستالژیک فردی اجتماعی فیلم است. فقدان گذشته های روشن تر از روزی با عشق گمشده ی ماروسیا و دیمیتری در می آمیزد. زیبایی اثر میخالکوف در این است که او هیچگاه در رجوع به گذشته، علی رشم حضور پر تیش آن، از فلش بک بهره نمی گیرد. این رجعت از طریق کنش های روحی مدرونی شخصیت ها و یا بوسیله ی اشیای پیرامون بازگو می شود. چنین شیوه ی بیانی را البته پیش از اینها در نزد فیلمسازان بزرگی چون اینگاریگمن (مثلاً در فیلم هانی و الکساندر) نیز دیده ایم. شخصیت پردازی، فضا سازی و

که روزنامه نگارها می توانند خودشان موسسه و گروه صنفی خاص خودشان را داشته باشند که کسی کاری بکارشان طبیعی است نخواهد داشت ولی اگر قرار بود که ما از روزنامه نگاران امضا بگیریم تعداد بی شماری روزنامه نگار شریف در ایران هستند که حتماً ما دعوت می کردیم از آنها که امضاء بکنند. ما در اینجا نویسنده را به طور اخص تعریف کردیم که کیست، نویسنده، شاعر و رمان نویس نمایشنامه نویس، ستاریونیس، منتقد، محقق، مترجم و این قبیل اشخاص. کسانی که به طور کامل سروکارشان مقداری با کار خلاقه است و یک مقدار هم با کار تحقیق روی مسایل خلاقه. به همین دلیل گروه ۸ نفره به نظر من کاملاً یک کار دمکراتیک انجام داده و موقعی که یکی از نویسندگان ما اصرار داشت حتماً سردبیرش اسمش در داخل این متن بیاید این به اکثریت آراء شد و ایشان گفت که در صورتیکه شما اسم ایشان را نگذارید منم اسم خودم را پس می گیرم که ما گفتیم این جریان را به گروه مشورتی دوباره برگردانیم، که متأسفانه با عقب نشینی خود آن شخص تهدیدی که کرده بود مسئله منفی شد و در نتیجه کار گروه ۸ نفره به هیچوجه نقصی نداشته. در مورد اینکه بعضی ها پس گرفتند و بعضی هم

ادامه در صفحه ۹

ادامه در صفحه ۹

جامعه سالم: شما اشاره ای به قوانین قبیله ای کردید. لطفاً این نکته را باز تریفرمائید.

پور فاضل: یک نمونه از این اشکالات، مسئله "شاکسی خصوصی" است که دقیقاً ریشه قبیله ای دارد. مثلاً طبق قانون وقتی پدری فرزندش را بکشد قصاص نمی شود حتی قاضی هم کاری نمی تواند بکند. فقط به صاحب دم که خودش هست باید دید به بد خدا دکتر حصری: حرف شما کاملاً درست است که برخی از مسائل، ریشه قبیله ای دارد، آن هم قبیله ای که مال خود مانده است، عمده قوانین ما از جامعه دیگری اقتباس شده است و بجای این که در جهت تغییر وضع به وضعیت بهتری باشد، در جهت تثبیت چیزی است که نه به جهت ملی و قومی مال است و نه به جهت زمانی. به همین دلیل گاهی مضحک جلوه می کند، مثل همین مورد که مثال زدید. پدری که قاتل فرزند خود است، به عنوان دیه باید پول هایش را در جیب هایش جایجا کند.

جامعه سالم: خانم دکتر شاه حسینی شما از همان ابتدا در تعریف خشونت اشاره به نظام مردسالاری کردید. لطف کنید بطور خاص در مورد خشونت بر زنان توضیح فرمائید.

دکتر شاه حسینی: من می خواهم بخصوص راجع به خشونت عرفی و قانونی صحبت کنم. ما زنان با اینکه امروزه وارد زندگی اجتماعی شده ایم ولی هنوز هم میزان بالایی از تجاوز عرفی و قانونی توسط شوهر و عرف و قانون بویژه در ایران نسبت به ما وجود دارد.

تحت قوانین اکثر کشورهای من جمله ایران، زنان شوهر دار در چهارچوب ازدواج ملک شوهرشان هستند. هر چند که ظاهراً حق و حقوقی هم دارند اما روابط جنسی جزو الزامات قانونی است ولی عشق و محبت قانوناً الزامی نیست. تجاوز به زن در چهارچوب ازدواج در اکثر کشورهای جهان غیر قانونی نیست من جمله ایران. و در همه کشورهای شوهر انتظار خدمات رایگان را در خانه از زن دارد.

در اغلب جوامع حق انتخاب زندگی به زن شوهر دار داده نشده، اگر زن ازدواج نکند دختر ترشیده نام می گیرد. یعنی عنوانی که به زن می دهند وضع زناشویی او را تعیین می کند و وضع زناشویی هم موقعیت اجتماعی او را تعیین می کند. به زنی که همسرش را از دست بدهد، می گویند "بیوه" که در انگلیسی واژه "Widow" زنان سانسکریتی می آید و به معنی "خالیه" است، و زنی که بچه نمی آورد مقیم خوانده می شود.

... امروز در سطح جهان میدان جنگ علیه زنان، در محل کار، در خانه، در خیابان و در نزدیکی روابط وجود دارد. این جنگ هم فیزیکی است هم روانی. مردان و (زنانی که هویت جنس گونه "identity" gender شان مردانه است، مثل خانم تاجر) آن را شروع می کنند و ادامه می دهند و این جنگی است که در خود ما هم درونی شده است. این جنگ در همه طبقات اجتماعی و گروه های نژادی و قومی مختلف وجود دارد. این جنگ خود را در توسعه قدرت انتمی تخریب محیط زیست هم نشان می دهد. یعنی به طور خیلی مشخص تر همان قدرتی که سلاخ های هسته ای را می سازد و همانی که زیست طبیعی را نابود می کند زن را هم چه در چهارچوب ازدواج و چه خارج از آن مورد تجاوز جنسی قرار داده است. تجاوز جنسی به زنان مهمترین بخش تهاجمی است که مردها با یکدیگر به عنوان مختلف راه می اندازند: چهل هزار زن بنگالی به طور سیستماتیک توسط سربازان پاکستانی مورد تجاوز قرار

خشونت، بحثی در علل و ابعاد

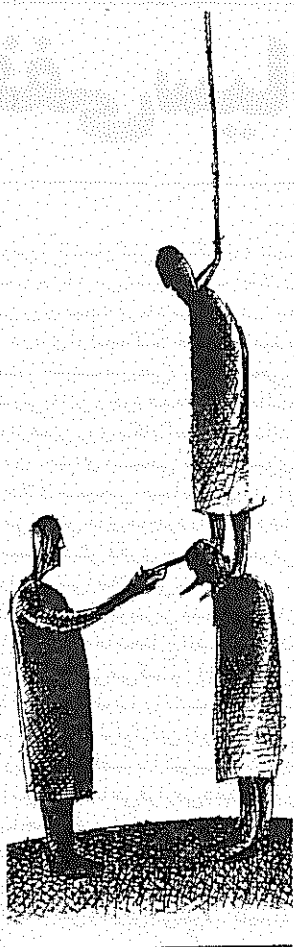
ماهنامه جامعه سالم - مهرماه ۱۳۷۳

خشونت و علل گرایش افراد، گروه ها و دولت به کاربرد آن، موضوع میزگردی است که در شماره ۷۳ ماغهنامه "جامعه سالم" چاپ شده است. ما به دلیل محدودیت صفحات نشریه آن را در دو بخش چاپ می کنیم. بخش نخست این میزگرد در شماره پیش کاراز نظر خوانندگان گرمی گذشت. اینک بخش دوم این میزگرد را پیش روی دارید.

گرفتند و باید آمار هرگز گوی راهم به آن اضافه کرد که من ندارم. هر چه باشد در تمام جنگ ها زن ها همیشه جزو غنایم بوده اند. زن سبزی عنصر اساسی در آموزش نظامی است. فلسفه تفنگدارهای آمریکایی این است که وقتی می خواهید گروه متحدی از افراد بسازید زن را در درون مردان به قتل برسانید. اما اینکه آیا خشونت در غرب بیشتر از ایران است؟ در غرب در همان حال که دو پسر ۱۴ ساله با هفت تیر و دو مغازه می شوند و جنس می دهند اگر مردی با زنش رابطه جنسی بدون خواست و میل زن داشته باشد تجاوز محسوب می شود و به زندان محکوم می شود. در ایران برعکس است وزن باید کاملاً تمکین کند ولی پسر بچه ها هفت تیر بدست وارد مغازه ها نمی شوند. در نتیجه مشکل است که بتوان بین جوامع شرقی و غربی یا آمریکایی مقایسه ای کرد.

پور فاضل: من می خواهم به چند مورد اشاره کنم که نشان می دهد قانون چطور موجب ترویج خشونت بر زنان می شود: مردی پس از بیست و هشت سال زنش را رها می کند و اجرت المثلی که قانون تعیین می کند تا به زن بپردازد چهل و هشت هزار تومان است! و این به اختیار قاضی است. من حتی پرونده هایی داشتم که این مبلغ تنها ۶ هزار تومان بوده! تازه این ها باز خوب است، اجرت المثلی را گذاشتند که مثلاً حق زنان ضایع نشود، تا پیش از آن مرد باید فقط مهریه را می پرداخت. و من شاهد زن ۷۰ ساله ای بودم که بعد از ۴۰ سال زندگی مشترک شوهرش طلاقش داده بود و او از سر زده. از او پرسیدم مهریه شما چقدر بوده گفت ۵۰۰ تومان!

خدایوی: می خواهم در مورد خشونت که در محیط کار بر زنان روا می دارند صحبت کنم. اول از همه عدم تساوی دستمزد بین زن و مرد است. در مورد مردان گفته شده که چون سرپرست خانواده هستند باید مزد بیشتری بگیرند، اما حتی اگر زنی سرپرست خانواده هم باشد بازم مرد است که مزد بیشتری گیرد حتی اگر مجرد باشد. مشاغلی که به زنان داده می شود بیشتر نقش خدماتی دارد و گفته اند چون زنان از نظر جسمی توانایی ندارند و یا فاقد شرایط سرپرستی اند باید به این مشاغل بپردازند. به زن به عنوان یک مادریک همسر نگاه می کنند و می گویند، مثلاً زن ازدواج می کند و به علت بارداری و زایمان و یا شیر دادن از محیط کار دور می شود. زنان متخصص ما تنها ۳٪ مشاغل رده بالا را در اختیار دارند. مشکل دیگر استخدام زنان متأهل است چون زنان ازدواج می کنند و بچه دار می شوند لذا کارفرما رغبتی به استخدام آن ها ندارد. سن اشتغال به کار برای زنان مسئله است که فقط بین ۲۰-۴۰ سال است چون مرد اگر بازنشسته بشود می تواند کار پیدا کند ولی یک زن بازنشسته کاری برای او نیست. به عبارت دیگر آخرین استخدامی ها و اولین اخراجی ها زن ها هستند. تعداد زنان شاغل بسیار کمتر از



مردان است مثلاً در سال ۱۳۵۵، ۱۳/۸٪ از بازار کار را زنان تشکیل می دادند ولی در سال ۱۳۶۵ این رقم به ۸٪ رسیده است یعنی در سال ۱۳۵۵ زنان شاغل ما در بخش دولت ۱/۲ میلیون نفر بودند که در سال ۱۳۶۵ به ۹۸۵ هزار نفر کاهش یافته است. زنان شاغل در بخش خصوصی در سال ۱۳۵۵ بالغ بر ۹۳۶ هزار نفر بودند که در سال ۱۳۶۵ این رقم به حدود ۵۰۰ هزار نفر تقلیل یافته، و سهم اشتغال زنان در این بخش از ۱۳/۵ درصد به ۷ درصد کاهش پیدا می کند. عامل دیگری که باعث می شود زنان مارا در ترویج کمتر استخدام کنند، و این بعد از انقلاب پیش آمده، جداسازی زنان و مردان در محیط کار است. اتاق های زن و مرد باید جدا باشد، ناهار خوری ها باید جدا باشد، معمولاً اگر ببینند و ببینند که زن و مرد سر یک میز نشسته اند و غذا می خوردند، مشکل ایجاد می شود برای مدیران مؤسسه. و این هزینه بیشتری برای کارفرما ایجاد می کند چون کارفرما برای خانم ها باید اتاق جداگانه و ناهار خوری جداگانه فراهم کند. به همین علت کارفرما رغبتی برای استخدام خانم ها ندارد.

محتاج تغییرات بسیار اساسی در ساختار اجتماعی است. ... من در سال ۱۳۴۰ افسر وظیفه بودم و در لرستان برای مطالعه "لهجه" حسونددها به میان آن ها رفتم. یک کدخدای عشایر، یک رئیس تیره در میان ایل حسوند، یک زن بود و جالب این بود که دختر این زن، به تنهایی ۴۰۰ رأس اسب را می برد. یعنی یک دختر، سوار یک اسب بسیار قشنگ قوی، این ۴۰۰ رأس اسب را می پائید، یک کیشان که اشتباه می رفت، به تاخت می رفت آن را به داخل گله می آورد. و من با این هادر حدود ۳۰ کیلومتر کوچ کردم. این یک دختر، این گله اسب را می برد. ببینید، این ها یک چیزهای واقعی زندگی ما بوده که متأسفانه به دلیل تاریخی، زیر پا گذاشته و به همین دلیل مملکت ما روزه روز عقب رفته، یعنی ما، زن مولد ما آن را که می توانسته مثلاً ۴۰۰ اسب را اداره کند، می توانسته کدخدای یک تیره باشد، یعنی چندین هزار نفر بیا بنداز او پرسند چه بکنیم؟ چه نکنیم؟ کوچ بکنیم یا نه؟ جنگ بکنیم یا نه؟ همه این ها را از دست دادیم. در واقع ما با تشدید خشونت و تشدید ستم، مقدار زیادی از توانایی های ملی و اجتماعی مان را از دست دادیم. زنان ما خیلی کارها می توانند بکنند ولی بدلیل همین وضع و همین خشونت و همین مایه های رسوب کرده از تاریخ که بدترین نوع رسوب کرده و به دلیل سیاسی و چه و چه، ما در واقع مقدار زیادی از استعداد ملی مان را از دست دادیم. مثل آدمی هستیم که یک دست و یک پایش شکسته. خودش را نمی تواند بکشد. ما هم داریم به زور خود مان را می کشیم. دلیلش هم دقیقاً این است که زن ها ایمان را می گذاریم کنار ...

جامعه سالم: از همه این صحبت هایی که کردیم، نتیجه بگیریم که برای رفع این مسئله یعنی عمدتاً خشونت و بطور خاص، خشونت که بر زنان روا می شود چه می شود کرد؟

دکتر قاسم زاده: من بطور خلاصه می گویم؛ یکی اینکه این مسائل را مطرح کنیم. یعنی خشونت هایی که نسبت به زنان اعمال می شود، تبعیض ها و غیره را از هر طریق که امکان دارد، از طریق رسانه ها، از طریق روزنامه ها، همین میزگرد هایی که بهر حال امکانش هست می توانیم این مسائل را طرح

ادامه در صفحه ۸

خبرهای علمی

ساخت عنصر صد و دهم و صد و یازدهم

اواخر ماه نوامبر بعد از ده سال کار دشوار یک اکیپ آلمانی روسی در آزمایشگاهی در آلمان موفق شدند چند هسته ی عنصر صد و دهم را تولید و شناسایی کنند. عنصر جدید از میان اربابان سرب Pb توسط یک ایزوتوپ نادر نیکل Ni بدست آمده و طول عمری بسیار کوتاه دارد. هنوز برای این عنصر تازه نامی تعیین نشده است.

این گروه همچنین با بمباران بیسموت ۲۰۹ توسط نیکل سه اتم عنصر ۱۱۱ بدست آورده اند. جرم اتمی این اتم ها ۲۷۲ می باشد.

اگر عصبی هستید غذاهای گلو سیدی نخورید

خوردن غذاهای گلو سیدی ترشح سرورترین Serotonin را افزایش می دهد. این هورمون در بی خوابی و خستگی بیشتر تولید می شود. در عوض غذاهای پروتئینی تولید هورمون مذکور را کمتری می کنند. آزمایش هایی توسط پژوهشگران سوئدی بر دو گروه از ورزشکاران انجام شد و نشان داد که فعالیت مغزی گروهی که قبل از انجام مسابقات معین مواد قندی مصرف کرده بودند به ۱۵ تا ۲۵ درصد تقلیل یافته بود در حالیکه این درصد در گروه دوم که مواد پروتئین خورده بودند ۷ تا ۷ درصد بود.

بیماری جنگ خلیج

پس از پایان جنگ خلیج و بازگشت سربازان آمریکایی، موارد بسیاری از ابتلاء به بیماری با علامت مشترک در بین آنان دیده شد که با نام سندروم خلیج مشخص می گردد. از آن زمان گفته شد که بیماری ناشی از مصرف داروهای بود که قبل از عزیمت سربازان برای مصونیت به آنان داده شده بود. اما اکنون پس از سه سال پایان جنگ نوبت فرزندان این سربازها رسیده است.

در پایگاه های ارتش در کالیفرنیا، کارولینای شمالی، می سی سی پی و تگزاس ضربید مرگ در کودکان با ریشتر از میانگین عمومی است. کودکان با عیب هایی که منجر به مرگ می شود به دنیا می آیند و بعضی دیگر با سرطان جگر می میرند. موارد زیادی نیز سقط جنین دیده شده است. از سال ۱۹۹۲ تا کنون نزدیک به سی هزار مورد بیماری ناشی از جنگ در میان سربازان آن دوره ثبت شده است. از طرف انجمن حمایت از معلولین مادرزادی تحقیقاتی در حال انجام است. نتایج این بررسی ها شاید بتواند راز بیماری مرموز خلیج را روشن سازد.

پیری بدون درد و رنج

کشف علمی دکترا تین ایل بولیو در فرانسه امید تازه ای در بین سالمندان به وجود آورده است. اگر پژوهش های پروفیسور بولیو تا چند سال آینده به قطعیت برسد، داروی پیشنهادی وی به نام سولفات DHOA مانند قرص آسپرین مصرفی گسترده خواهد داشت (تکنه ای که می تواند ادامه تحقیق های وی را توسط شرکت های دارویی تعیین کند). در حقیقت سولفات DHOA هورمونی است که به طور طبیعی در بدن تولید می شود و در پیری میزان تولید آن کاهش می یابد. مصرف داروی این هورمون باید مورد کنترل باشد زیرا مصرف زیاد آن عوارض جانبی به دنبال دارد و ممکن است به سرطان پروستات یا پستان بیانجامد. ولی مقدار مناسب آن می تواند دردهای رماتیسمی و مایه های را در سالمندان تخفیف دهد.

از طرف دیگر میزان هورمون ما منبرده در نزد بیماران مبتلا به سرطان و ایدز نیز پیاپی است و این خود زمینه ی دیگری برای پژوهش های بیشتر می باشد.

ژن چاقی

پژوهشگران آمریکایی موفق شده اند ژن چاقی را در موش ها پیدا کنند. نتایج تحقیقات آنها می تواند در معالجه ی بعضی چاقی های انسانی نیز به کار آید زیرا مشابه همین ژن ها در انسان سبب چاقی غیر عادی می شود. مکانیزم آن نیز چنین است که بر اثر یک جهش ژنتیکی پروتئین های تنظیم کننده ی اشتها ترشح نمی شوند. بنابراین می توان با تولید مصنوعی پروتئین های مذکور این نقص را جبران کرد.

اندوسکوپ عروق

متخصصان عروق و رادیولوژی دانشگاه لوبک توانسته اند با استفاده از یک دستگاه اندوسکوپ مخصوص و روش هایی ویژه، شریان های مختلف را با اقطار گوناگون، حتا تا حد یک میلیمتر مشاهده کنند و ضایعات آن ها را تشخیص دهند. این امر می تواند انقلابی در تشخیص بیماری های عروقی به وجود آورده، به سرعت واژه ی "آنژیوسکوپ" را در کنار واژه بسا فرا تراواژه ی "آنژیوگرافی"، گوش آشنای پزشکان و بیماران مبتلا به بیماری های عروقی سازد.

کشف اکسیژن روی یکی از قمرهای مشتری

وندی کالوین (Wendy Calvin) در آریزونا ی آمریکا با کمک آنالیز طیف نوریکی از قمرهای مشتری به نام Ganymed موفق به کشف اکسیژن به شکل مولکولی شد. بنظر خانم کالوین بر اثر تشعشع چگال ذرات مشتری به آب های یخ زده ی این قمر، فعل و انفعالات پیچیده ای صورت می گیرند و این فرآیندها به آزاد شدن اکسیژن می انجامند. در همین حین درون یخ شکاف های ریزی بوجود می آیند و اکسیژن متصاعد شده درون آنها ذخیره شده و باقی می ماند. این اولین بار است که غیر از کره ی زمین در منظومه ی شمسی مولکول اکسیژن کشف شده است.

در نفی سیاست اخلاقی

مسعود میرا شد

دیدگاه او، آنها (فویرباخ - مارکس و دیگران) تنها ایده آلیسم مسیحیت را به نقد می کشیدند و نه اخلاق ناشی از آنرا. از همین روی نیچه فریاد می کشید: "به دوروبر خود می نگرم. ذره ای از آنچه قبلاً حقیقت نامیده می شد باقی نمانده است، حقیقت مسیحی، باور مسیحی. هر کسی این را می داند ولی با این وجود همه چیز به حالت سابق مانده است". او از همین روی پیکان اصلی انتقادات خود را نه متوجه ایده ای "خدای مسیحی" بلکه به سوی نتایج ناشی از آن - اخلاق مسیحی - نشان می دهد. او تلاش داشت که تمامی ارزش های موجود را تغییر دهد (۵) و خود را بانی و مؤسس جنبش فکری جدیدی معرفی می کرد که غیر اخلاق را بر کرسی اخلاق می نشاند.

ما غیر اخلاقیون بزرگترین و قویترین قدرت بشمار می آیم که تمام نیروهای دیگر به ما محتاج اند. ما جهان را به میل و سلیقه ای خود طراحی می کنیم (۶). به این ترتیب نیچه خود را اولاً چون افلاطون، زرتشت زمان خود معرفی می کند، که اسم مهم ترین اثر او از این زاویه نیز قابل توضیح است و ثانیاً او را در مخالفت با اکثریت قریب به اتفاق جنبش های سیاسی و اجتماعی قرار می دهد. او در فلسفه سیاسی خود ساختار اقتصادی و سیاسی موجود کاپیتالیسم و ناموجود سوسیالیسم را بنیادین مورد حمله قرار می دهد. به همین جهت از طرف گروه بندی های مختلف سیاسی، بیرحمانه لعن و نفرین می شود. کلیسا، سرمایه داری، سوسیالیسم و... همگی علیه او

می گفت شعارهایی نظیر "تنبیه متجاوز" (ضدام حسین) و یا "آمریکا چاقو کوش بین المللی" بارشید اخلاقی داشته اند. محمد رضا شاه نیز عمل نوع آوسفر خود در آمریکا را که در ملاقاتهایش در مقابل شاه زانو زده و دستش را می بسود، با سنتهای چند هزار ساله (اخلاق) توضیح می داد (۹).

در هر صورت آنچه مسلم است اینکه سیاست در چهار گوشه ی جهان باسخ واحدی به رابطه ی سیاست و اخلاق واده است. وحدت نظر "سیاست" در برخورد با اخلاق علل و زمینه های گوناگون دارد. در جوامع پیشرفته صنعتی تکیه بر سیاست اخلاقی، مرحمی است بر زخم هایی که مدرن و "پسامدرن" بروح و روان جامعه وارد آورده است. در کشورهای در حال رشد این بدیده در چهارچوب "فرهنگ انقلابی"، با بیندی عمیق مردم به سنت ها و نیز آمیزش قوی دین و سیاست قابل توضیح است. البته باید توجه داشت که تکیه و تاکید بر اخلاق فرایر سیاست عمدتاً در نوشتارها، میاحثات و مبارزات انتخاباتی صورت می گیرد، وگرنه در واقعیت های زندگی با بدیده هایی روبرو می شویم که دقیقاً عکس ادعاهارانشان می دهند. به گمان من لازم نیست به بدیده ی سیاست غیر اخلاقی پرداخته شود. مهم اینکه چگونه باید به تناقض حرف و عمل و سیاست برخورد نمود و مهمتر اینکه آیا سیاست باید با سنگ اخلاق محک خورد؟ آیا سیاست می یایست اخلاقی باشد؟ به گمان

لازم نیست به بدیده سیاست غیر اخلاقی پرداخته شود. مهم اینکه چگونه باید به تناقض حرف و عمل در سیاست برخورد نمود و مهمتر اینکه آیا سیاست باید با سنگ اخلاق محک خورد؟ آیا سیاست می یایست اخلاقی باشد؟ به گمان من پاسخ هر دو سؤال منفی است.

من پاسخ هر دو سؤال منفی است. برای روشن شدن مسئله ابتدا از اخلاق به عنوان یک مقوله آغاز می کنیم. قبل از همه اینکه اخلاق متکی بخود وجود خارجی ندارد. اینکه اخلاق را به عنوان ارزش های مثبت در یک جامعه تعریف کنیم به هیچ روی کافی نیست. چرا که ارزش های جوامع مختلف با یکدیگر یکسان نیستند. مولانا چه زیبا می گفت:

چونکه بی رنگی اسیر رنگ شد / عیسی ای یا موسی ای در جنگ شد
 البته اخلاق همان رنگی نیست که بی رنگی را در اسارت آورده، بلکه تنها نظا بر بیرونی آن است، مثل فرمزی، سبزی و غیره. به عنوان مثال اگر مواد گوناگون را ترکیب نموده و رنگ فرمزی دست آوریم، فرمزی تنها نمای بدیده است. هر آینه تغییری در ترکیب فوق بعمل آوریم، رنگ فرمزی به سوی دیگری گرایش خواهد کرد. رابطه ی اخلاق با دین، جهان بینی و سیستم فلسفی نیز چنین است. اخلاق مسیحی، اسلامی، سوسیالیستی، زرتشتی، بودایی و یا حتی "غیر اخلاقی" نیچه هر کدام از جایگاه فلسفی خاصی نشأت می گیرند. بنابراین وقتی به اخلاق این یا آن پسوند اضافه شود، تغییر مهمی حاصل خواهد شد. تازه وقتی که هر کدامشان در جامعه معینی به درون روح و روان انسان رسوخ نماید، جاشنی محیط اجتماعی و شخصیت انسانی را نیز بخود خواهد گرفت که موجب تغییرات دیگری خواهد شد.

با این تفصیل هر آینه شروع به تعریف "اخلاق"، نمایم، فوراً روشن خواهد شد که اخلاق خاصی مدنظر است. بنابراین می توان گفت سیاست اخلاقی به حد وفور یافت می شود. مثلاً حکومت ایران نیز با تصویب قانون حجاب از سیاستی اخلاقی پیروی می کند. اگر چنین به مسئله بنگریم باید اعتراف نمود که بسیاری از سیاست هایی که به مذاق آزاداندیشان و آزادمنشان جور در نمی آید کاملاً "اخلاقی" اند.

در عین حال اگر بپذیریم که اخلاق مقوله ای ثابت و متکی بخود نمی توان باشد (یا حداقل نیست)، آنگاه باید

بپای خیزند. حتی روشنفکرانی چون توماس مان نیز از ایده غیر اخلاقی نیچه فاصله گرفتند. جالب اینکه توماس مان خود از طرفداران سیرسخت افکار نیچه محسوب می شود. کمتر نویسنده ای می توان یافت که به اندازه ی مان تحت تأثیر نیچه قرار داشته باشد. او در جواب کسانی که نیچه را به "پدر فکری فاشیسم" و یا "فیلسوف ناسیونال سوسیالیسم" متهم می کردند می گفت (۱۹۴۷):

"اگر نیچه امروز زنده می بود در آمریکا بسر می برد" (۷).

البته نیچه توجه نداشت که "غیر اخلاقی" را عملاً به نوعی اخلاق مبدل می سازد و در واقع بر آن همان بلا بی را خواهد آورد که بر سر همتهای قبلی اش آمده بود. غیر اخلاقی "که نیچه مطرح می نمود خود نوعی اخلاق بشمار می آمد که در فرهنگ های مختلف بشکل پراکنده بدیده می شود. این امر خصوصاً در بخشی از کتاب "چنین گفت زرتشت" کاملاً مشهود است. در جایی که نیچه در قالب زرتشت "نیش مار جعفری" را تحمل نموده و چنین وانمود می کند که گو یا مار جعفری کمکی در حق او روا داشته است. اگر شما دشمنی دارید بدی او را با خوبی پاداش ندهید. زیرا این امر موجب شرمساری اومی گردد ولی به او وانمود کنید که او با آن عمل خود برای شما خدمتی انجام داده است" (۸). به این ترتیب "غیر اخلاقی" از نقطه پایان اخلاق عزیمت نموده و در نقطه ابتدای اخلاق پایان می یابد. دایره ی اخلاقی - غیر اخلاقی به عنوان یک مجموعه واحد بسته می شود.

در سیاست زنده نیز تفکیک اخلاق - غیر اخلاق کاری بسیار دشوار و حتی فراتر از آن غیر ممکن بنظر می رسد. تقریباً تمامی سیاستمداران و نیروهای سیاسی، سیاست خود را عین اخلاق می دانند. سیاستمداران جوامع پیشرفته ی صنعتی در هر فرصتی چنان وانمود می کنند که تو گویی معلم اخلاقند. در کشور خود مان نیز کسی یافت نمی شود که سیاست خود را اخلاقی نداند (حداقل نگارنده چنین کسی یا کسانی را نمی شناسد). آیت الله خمینی همواره از آمیزش اخلاق و سیاست سخن

در ادبیات سیاسی رابطه سیاست و اخلاق یا "سیاست اخلاقی" بگونه ای مستقیم و یا غیر مستقیم مورد میاحثات فراوانی بوده است. در شرایط کنونی جامعه ی ایران مسئله ی فوق اهمیت ویژه ای پیدا نموده است، چه به گمان من بحث سیاست و اخلاق میوه ایست که از درخت رابطه ی دین و دولت به زمین افتاده و از همین روی فاصله چندانی با این درخت ندارد. در این مقاله تلاش خواهد شد که تنها سیاست و اخلاق مورد بررسی قرار گیرد.

رابطه اخلاق و سیاست در چهارچوب یک سیستم فلسفی، اولین بار توسط زرتشت پیامبر و فیلسوف شاعر منش ایران قدیم مطرح گردید. در فلسفه زرتشت اخلاق نه تنها تعیین کننده ی کردار انسانی، بلکه نیروی محرکه ی جوهری حرکت تاریخ محسوب می شود. و اساس زندگی در نبرد "دو گوهر همزاد در اندیشه و گفتار و کردار نیک و بد پدیدار" (۱) می شود. زرتشت اولین کسی بود که حرکت پدید آمده ها را با نبرد خیر و شر توضیح می داده است. "ترجمه اخلاق به متافیزیک به عنوان نیرو و منشأ حرکت از کارهای او بشمار می آید" (۲).

بسیاری از ایده های زرتشت بوسیله فلاسفه وادیان گوناگون یا تغییرات بخشاً متنقضی پذیرفته شدند، بگونه ای که کمتر جزبان فلسفی ای می توان یافت که اثری از آثار او بر آن نقش نبسته باشد. در میان اینگونه ادیان و سیستم های فلسفی مسیحیت، چه به دلیل نقش تاریخی آن وجه به علت تغییرات ویژه ای که در فلسفه ی زرتشت وارد آورد، نقش و جایگاه ویژه ای دارد. روشن است که بررسی تأییدات و تغییرات یاد شده در چهارچوب این مطلب نمی گنجد. آنچه که مسلم است اینکه مسیحیت با تغییر موقعیت و جایگاه انسان در مجموعه ی طبیعت از یکسوی و برپای بی یک سیستم ویژه اخلاقی از سوی دیگر، قریب ۱۵۰۰ سال بر بخش اعظم اندیشه بشری حاکم بوده است. مسیحیت به عنوان ایده ای ازلی، ابدی و به حقیقت مطلق دست یافته، تلقی می شد. رفتار و کردار اروپائیان در قاره ی آمریکا بخشاً در چهارچوب درک فوق قابل فهم است. جنایت بنام اخلاق، نسل کشی برای حقیقت و کشتار برای "خدای یکتا". در توصیف اینگونه اعمال "اخلاقی" بد نیست به گوشه ای از سخنان عمیق و پر احساسی یکی از سخنگویان سرخپوستان (۱۸۵۴) اشاره کنیم: "خداوند شما خدای ما نیست. او شما را دوست داشته و از ما متنفر است... به نظر می رسد خدایان ما را از یاد برده... خداوند انسان سفید فرزندان سرخ خود را دوست ندارد... شریعت شما را خدایی خشمگین با پنجه های آهنین بر سنگ حک نموده... شریعت ما همان سنت های ماست که بر قلب هایمان نوشت شده است" (۳).

دوران روشنگری نخستین رخنه در بنیان ایده های کلیسا را پدید آورد. طرفین درگیر از زراد خانه های فکر خود مؤثرترین و کشنده ترین سلاح ها را به میدان نبرد می فرستند. ولتر برای اثبات غیر ازلی بودن ایده های مسیحیت، دست یاری به سوی زرتشت دراز می کند. او بر آن بود که: "قبل از موسی دین طبیعت گرایی (زرتشت) وجود داشته بنا بر این نمی توان باور داشت که حقیقت تنها در داده های مسیحیت خلاصه می شود" (۴). او آشکارا اعلام می نمود که خواستار استفاده از زرتشت به عنوان سلاحی علیه مسیحیت می باشد. به این ترتیب روندی شکل می گیرد که در هم شکستن فلسفه کلیسا و بنا برهای آنرا با تکیه بر اندیشه ی گذشتگان و دستاوردهای نودر دستور روز خود قرار می دهد. متأسفانه متفکران عصر روشنگری بسرعت از افکار و ایده های ماقبل مسیحیت فاصله گرفته و عمدتاً استدلالات را بر دانه های زمان خود استوار می سازند. گسترش بکارگیری واژه ی "علمی" که به عنوان صفت در بی انواع و اقسام "ایسم ها" بکار می رفت خود مؤید این ادعاست. از همین زاویه متفکرینی چون فویرباخ و مارکس و غیره کلیسا را به نقد می کشیدند. روند فوق در قرن گذشته به نقطه ای اوج خود رسیده و نیچه نقطه ی پایان آنرا تشکیل می دهد. "آته ایسم علمی" نیچه کاملترین نمونه ی فلسفی ای بود که از ابتدای روشنگری رشد و تکامل یافت.

نیچه همه کسانی را که پیش از او به انتقاد کلیسا پرداخته بودند، به عنوان "نیمه کشیشانی آرزویایی" می نمود که تنها تغییرات نصف نیمه ای را خواستار بودند. از

گفت که جو بیار سیاست اخلاقی عموماً نه به دریای آزادی بلکه به با تعلق استبداد فرو می ریزد. در بهترین حالات می توان تصور نمود که تا کید بر سیاست اخلاقی خود روشی است که در خدمت پیشبرد این یا آن سیاست به کار گرفته می شود.

گمان می رود توانسته باشم دلایل خود را در زمینه ی نفی "سیاست اخلاقی" بگونه ای فشرده طرح نموده باشم، ضمن اینکه رد "سیاست اخلاقی" به سؤال دیگر نیز پاسخ منفی خواهد داد. چرا که اگر "سیاست اخلاقی" نادرست باشد، بکارگیری اخلاق بمثابه ی سنگ محک سیاست بخودی خود بی معنی خواهد بود. با اینهمه برای اینکه نشان داده شود که سنجش سیاست با اخلاق چه نتایج خنده آور و خطرناکی بیار خواهد آورد ذکر دو مثال را ضروری می دانیم:

۱- جنبش یک شکل پوشی در چین را بخاطر بیاوریم. به گمان من سیاست فوق ریشه در اخلاقی ترین معیارهای رهبری سیاسی در چین داشته که به گونه ای مستقیم با شعار برابری "مماس" می شود. آیا این سیاست اخلاقی درست بود؟

۲- اواما مثال دوم دقیقاً عکس اولی است. می دانیم که یکی از بزرگترین مشکلات جامعه ی چین همانا رشد جمعیت این کشور است. از همین روی دولت چین با تهدیدات گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز پلیسی سیاست "یک بچه" راهی مرحله ی اجرا گذاشته و به موفقیت های بسیاری نیز نایل آمده است. بزبان ساده اینکه دولت با زور ابتدایی ترین حق انسان ها را از آنها سلب نموده است. چه سیاست غیر اخلاقی. حال لحظه ای را تصور کنیم که در چین سیاست اخلاقی آقای پاپ ویا ملک فهد اجرا شود. چه بر سر چین خواهد آمد؟ اگر کسی واقعاً اعتقاد به سیاست اخلاقی دارد باید به سؤالات فوق وده ها و صد ها مسئله ای این چنین پاسخ روشن دهد. آنچه به نگارنده مربوط است اینکه من این غیر اخلاق را به آن اخلاق ترجیح می دهم، نه بدلیل غیر اخلاقی بودنش بلکه به علت درست بودنش. در یک کلام، سیاست لزوماً نه اخلاقی است، نه غیر اخلاقی، مهم درست بودن آن است که طبیعاً هر کس از زاویه ی فکری و روش خاص خود مسئله را مورد بررسی قرار خواهد داد. در خاتمه برای اینکه به اخلاق سستی متهم نگردم، سعدی بنید و حکمت فارسی را سرگ اخلاق و استاد بی چون و چرای بند و حکمت فارسی را شریک جرم خود می گردانم. سعدی در جایی فارابی را نقد می کشد که چرا "نه کرسی آسمان" را به زیر پای قزل ارسلان می نهد: "چه حاجت که نه کرسی آسمان / نهی زیر پای قزل ارسلان

مگو پای عزت پرافلاک نه / مگوروی اخلاص بر خاک نه
 ولی همین سعدی آنجایی که به مسایل مشخص سیاست نمی پردازد، بگونه ای جدی به لغزش هایی غیر اخلاقی دچار می شود، تا جاییکه حتی روز را شب جلوه می دهد.

خلاف رأی سلطان رأی جستن / بخون خویش باشد دست شستن
 اگر خود روز را گوید شب است این / ای باید گفت آنک ماه و پروین

- زیر نویس ها:
- ۱-نگاه کنید به: H. Lommel, Die Alten Arier, S. ۷۱
 - ۲-نگاه کنید به: H. Gruehl, Glueklich werdendie sein, S. ۸۶-۸۷
 - ۳-نگاه کنید به: W. Hinz, Zahraustra, S. ۱۱
 - ۴-البته حداقل بجز دوازش از نظر تاریخی بیجا مانده که نزد نیچه نیز بیجا ماندند. ۱-ارزیابی آرزو و جایگاهش در تاریخ، ۲-اروپا مرکزی
 - ۵-نگاه کنید به: Willezur Macht, Ausgabe Koerners, Nietzsche, Bol. 76, S. 84
 - ۶-نامه توماس مان به لودویگ مارکوزه به تاریخ ۱۹۴۷/۱۰/۹
 - ۷-نگاه کنید به: ف. و. نیچه، چنین گفت زرتشت، ترجمه حمید نیرنوری، داستان "نیش مار جعفری" صفحات ۹۷-۹۵
 - ۸-نگاه کنید به خاطرات سیاسی اسداله علم

همکاران، در آنجا که متخصص روانشناسی است و معروف هم هست طرحی به دولت داده بود در مقابل همین حرف شما. که دخترها بهتر درس می خوانند و در نتیجه دارند موقعیت پسرها را در تهدید قرار می دهند. ایشان طرحی داده بود که چگونه از ترقی دخترها جلوگیری کنید. جالب اینکه این طرح عمل هم شد. او نمی فهمد که خودش هم مولود چنان شرایطی است و باید در مقابل آن شرایط مقاومت کند، او همراه سیل و جریان می رود. خودش را می دهد به دست جریان که شاید باز هم رومیانند. طبیعی است که چنین

شاه حسینی اشاره کردند. جامعه ما مردسالار است، خشونت جزوش است. یعنی فرق نمی کند اگر جامعه زن سالار هم باشد خشونت از یک طرف دیگر پیش می آید. این دو تا باید حل بشود. من متاسفم یک موردی را مثال بزنم که خواهید دید که در واقع حتی یک کارشناس وقتی در جامعه مردسالار است. نه تنها نقش ندارد و نمی تواند کار کند. نقش سوء هم می تواند داشته باشد. ناچارم صریح تر بگویم. من قبلاً عضو دانشگاه شیراز بودم یکی از

جرات و شهامت و مقاومت لازم است. در مقابل هر مانع خالی نکند و عقب نشینند. الان عملاً ما دیدیم که مثلاً در مورد همین ورزش خانم ها در پارک ها، چنین اجازه ای را قبلاً نمی دادند به زنان. همین رفتن ها و ماندن ها و مقاومت کردن ها بود که به اینجا رسیده که از ۹۳ مرکز که رسماً اعلام کرده اند که برای ورزش صبحگاهی وجود دارد، ۳۲ مرکز را اعلام کردند که متعلق به زنان است. به نظر من این ایستادن ها و مقاومت کردن ها باعث می شود که به هر صورت ببیند، به این سادگی هم نمی شود زن ها را از صحنه کناری بگذارند.

ادامه از صفحه ۷
 کنیم برای گروه های بیشتری که به هر صورت آشنا بشوند.
 یکی اینکه آموزش بدیم. در خیلی از این زمینه ها، آموزش می تواند مؤثر باشد. این آموزش صرفاً برای زنان نیست. من فکر می کنم ما باید مرد ها را هم در کنار خود مان داشته باشیم، تقابلی بین زن و مرد وجود ندارد. ولی در این زمینه (آموزش) هم به مردان وهم به زنان نیاز هست و بخصوص در این خانواده شروع کنیم هم اینکه واقعا مسئله مقاومت و پیگیری را بصورت منطقی و سنجیده در زنان دامن بزنیم که به هر صورت در خیلی از مسائل،

خشونت، بحثی در عمل...

درباره آترناتیو

۱. مستوفی

تقسیم می‌شوند. دموکرات‌ها می‌توانند در اطراف شاهزاده رضا پهلوی و در سازمان مشروطه خواهان جستجو کرد. در جناح میانه هر چند سازمان جمهوری خواهان ملی نتوانسته همه "جمهوری خواهان ملی" را گرد هم آورد ولی هواداران فعال این گرایش در درون و بیرون کشور کم نیستند.

هیچ یک از نیروهایی که یاد شد به تنهایی توانایی استقرار مردم سالاری در ایران را ندارند. اگر قرار باشد نیروی دموکراتیک و کارآمد در برابر حکومت اسلامی قد برافرازد و مخالفان دموکرات رژیم را در درون و بیرون کشور نمایندگی کند، باید این سه گرایش را در بر داشته باشد و در مراحل بعدی شاید مذهب‌های دموکرات (یا دموکرات‌های مذهبی) را هم با خود همراه کند.

از دشواری کار غافل نیستم. هنوز واژه‌های "سلطنت طلب" در میان کوشندگان چپ و "کمونیست" در میان دست راستی‌ها، "تابو"هایی هستند که شکسته نشده‌اند. هنوز خیلی‌ها در دو جناح باور نمی‌کنند که در جناح مقابل نیز مبارزاتی میهن پرست، آزادی خواه، مردم دوست، درست کار و نوا و باهسته وجود داشته باشند. هنوز برخی تنها خود را بر حق و تنها طرف مقابل را مسئول اوضاع کنونی به شمار می‌آورند و برای یافتن سند محکومیت وی اشریوها و کتاب‌های تاریخ را می‌کاوند. و بسیاری بدگمانی‌های دیگر...

برای نزدیکی سازمان‌ها به یک دیگر، اگر حسن نیت در کار باشد، موانع را می‌توان از پیش پا برداشت. نکات مبهم فراوانی با یاد روشن شوند و این کار با تماس‌های مستقیم و گفتگوی رودر رو شدن است. به گفته یکی از کوشندگان حزب دموکرات کردستان، امروز برای گفتگو از بیابانی سازمان فداان خلق ایران (اکثریت) از اوضاع ایران، حسب آنچه در "کار" درج شده، با آن چه در این نوشته آمده تفاوت عمده‌ای ندارد. اما سازمان که بارها بر ضرورت تشکیل یک آترناتیو دموکراتیک (البته نه کاملاً مطابق با آنچه گفته شد) تاکید کرده، تا کنون چه اقدام مشخص و چشم گیری در این باره به عمل آورده است؟

امروز ایرانیانی که سرنوشت خویش را از سرنوشت مردم میهن‌شان جدا نمی‌دانند، منتظر اقدام عملی هستند.

درون و بیرون کشور، استبداد، بی‌قانونی... امکان مشارکت آزادانه و آگاهانه همه مردم در تعیین سرنوشت کشور را فراهم آورد و در یک جمله، با عقب‌گرد کردن راهی برای خروج از این بست بجویید.

این همان راه حلی است که برخی از گرایشهای سیاسی آن را به صورت پشتیبانی از "انتخابات آزاد" مطرح می‌کنند. ولی مشکل اینجاست که ماهیت حکومت اسلامی اجازه می‌دهد عقب‌گرد یا "اصلاحاتی" را به گردانندگان آن نمی‌دهد.

۲- یک نیروی دموکرات جایگزین، متشکل از نمایندگان فکری همه گرایشهای دموکراتیک چپ و راست و میانه جای حکومت اسلامی را بگیرد.

۳- زمانی که در تئوری و عمل نشان داده است که دموکرات نیست، با استفاده از غیاب آترناتیو دموکراتیک، موفق شود خود را دموکرات بنماید و با سوء استفاده از موقعیت، دیکتاتوری تازه نفس خود را به جای دیکتاتوری از نفس افتاده آخوند ها بنشاند.

۴- ایران و حکومت اسلامی آن زیر فشارهای فزاینده درونی و بیرونی در هم شکنند و با هم نابود شوند.

آگاهی بر این وضعیت، تلاش برای تشکیل نیروی دموکراتیک جایگزین را در میان هواداران گرایش‌های مختلف برانگیخته است.

درست است که مبارزه اصلی با رژیم باستانی در درون کشور انجام شود ولی فراموش نکنیم که مبارزه در درون و بیرون کشور مکمل یکدیگرند. آزادی خواهان در داخل می‌توانند کارهایی بکنند که مانعی نتوانیم و متقابلاً، مادر بیرون کشور "تسبنا" دروازه‌دسترترین سرکوب گران رژیم و وظیفی داریم که انجام آن از آنها که در ایران مانده اند بر نمی‌آید.

از اهم این وظایف، یکی توافق بر اصول و برنامه سیاسی برای آینده ایران است و دیگری، تشکیل مرکزیت یا هسته‌ای که بتواند همه دموکرات‌های ایرانی را نمایندگی کند و امکانات لازم را برای اجرای آن برنامه‌ها فراهم آورد.

آن‌ها که "شرایط عینی و ذهنی وقوع انقلاب" را بگردان ایران را فراهم نمی‌بینند، بهتر است عینک‌شان را عوض کنند. مردم با یابی آترناتیو در برابر رژیم به پا خواسته‌اند و بازم به پا خواهند خواست. رژیم هم مانند گذشته در به خون کشیدن این خیزش‌ها در رنگ نخواهد کرد. مرکزیت اپوزیسیون، اگر وجود بیاید و درست عمل کند، خواهد

رژیم اسلامی حاکم بر ایران به وضعی دچار شده است که اگر کسی از امکان و احتمال فروپاشی آن سخن بگوید، نمی‌تواند او را به حقیقت پنداشتن آرزوهایش متهم کرد.

این یک واقعیت است که حکومت اسلامی درین بست خود ساخته گرفتار آمده و راهی برای بیرون رفتن از آن در پیش روندارد، مگر اینکه عقب‌گرد کند.

سیاست‌های اقتصادی حجت الاسلام رفسنجانی که چاره شکست‌های آقای موسوی قلمداد می‌شد، به نوبه خود با شکست فاحش روبرو شده است. تعدیل اقتصادی که نتوانسته بود در برخی از کشورهای آمریکای لاتین نتایج مثبت ببار آورد، در ایران نه تنها نتوانست، به سبب مشکلات سیاسی، رشد سالم اقتصادی را موجب شود، بلکه نزدیک به چهل میلیارد دلار را در روزی کرده مردم گذاشت.

نتایج نخستین برنامه پنج ساله دولت آن قدر ناامید کننده بود که برنامه دوم اصلاً سردست گرفته نشد.

درباره موقعیت حکومت اسلامی در عرصه سیاست جهانی دو دیدگاه وجود دارد. برپایه دیدگاه اول، کشورهای بزرگ و به ویژه آمریکا از حکومت اسلامی برای تأمین حداکثر منافعیشان در ایران و منطقه به عنوان "مترسک" استفاده می‌کنند و تاز روزی که به این مترسک نیاز داشته باشند، آن را نگاه می‌دارند.

وازدیدگاه دوم، پس از فروپاشی اتحاد شوروی، پس از ایرانی ایران و عراق در جنگ هشت ساله و در آستانه استقرار صلح کامل و همه جانبه میان عرب‌ها و اسرائیل، منطقه خاورمیانه به وجود دولتی که هم چنان آتش دشمنی‌ها را روشن نگاه دارد و تروریسم را پشتیبان باشد، بیش از این نیاز ندارد. نتیجه این که حکومت اسلامی واقعا متزوی است.

من با اینکه دیدگاه اول را در نمی‌کنم، به دیدگاه دوم بیشتر تمایل دارم.

وضع اقتصادی کشور در جهت کاهش توانایی دولت و برای حفظ تسلط خود بر مردم چاره‌ای نخواهد داشت، مگروری آوردن به سرکوبی یا زخم بیشتر که آن هم به نوبه خود وضع را انفجار آمیز تر خواهد کرد.

در شرایطی که ادامه حکومت اسلامی با شکل کنونی ناممکن باشد، چهار حالت می‌تواند پیش بیاید:

۱- حکومت اسلامی خود را در گرونگ کند و بیادست برداشتن از انحصار طلبی، واپس‌گرای، تروریسم در

آزادی ایران و نهضت مقاومت ملی، و البته احزاب کردی کومله و حزب دموکرات کردستان، در صورت بازگرداندن شدن به ایران مورد پیگرد قرار خواهند گرفت. "درباره شدت مجازات احتمالی چیز چندانی گفته نشده است زیرا، به نظر وزارت خارجه هلند شدت مجازات قویا به میزان خطری بستگی دارد که اقدام صورت گرفته برای دولت دارد."

در گزارش به سایر جهات نقض حقوق بشر در ایران پرداخته نشده است و چنین به نظر می‌رسد که گزارش مؤید نظر وزارت امور خارجه و نیز اقدامات وزارت دادگستری هلند است: زیرا مطابق کنوانسیون ژنو، حق پناهندگی به کسانی تعلق

ممکنست بعدا پس بگیرند، در هر جمع ۱۳۴ نفره موقعی که پیش می‌آید طبیعی است که بعضی یا تحت فشار یا با در نظر گرفتن اینکه زندگیشان از پاره‌ای لحاظ، با تهدید و خطر مواجه شود ممکنست که امضا خود را پس گرفته باشند ولی این قبیل حرف‌ها که مثلا ما یادداشت را قبل از اینکه به روزنامه‌های ایران بفرستیم به خارج فرستادیم که من عذر دیم یکی از امضاکننده‌ها این را عنوان کرده بود و بر اساس آن پس گرفته بود، این کذب محض است.

به دلیل اینکه روزی که ما تصمیم گرفتیم نامه را بخش بکنیم این را برای در حدود ۴۰ تا ۴۵ روزنامه ایرانی فرستادیم و تازه بعد از یک هفته بود که به جاهایی که در خارج نوشته شده بود که باید فرستاده بشود فرستادیم. این مسئله که نوشته نویسنده‌ها در خارج از آن سروصدا به پا کرده و فرض کنید که نباید سروصدا به پا می‌کردند، این ارتباطی به ما پدید نمی‌آید بلکه

ما سه سیم‌بره رقم ۷۰۳ رسیده است. این رقم یک رکورد، و برای اولین بار بیشتر از شمار پناهنجویان از کشور یوگسلاوی سابق است. حرف مسئولان دادگستری به نمایندگان مجلس هم این است: ۷۰۳ نفر در یکماه از یک کشور؟ پذیرش این برای ما غیرممکن است. معنای آن هم روشن است: هلند در صدد اخراج بخش قابل توجهی از پناهنجویان ایرانی است. خواه بپس فرستاد به آلمان، خواه با اعزام مستقیم آنان به ایران.

"بدعت عدم انتشار عمومی گزارش می‌کرو، بخش‌های نقل شده از آن، ترجمه عین متن روزنامه هلندی Trouw اول دسامبر ۱۹۴ است.

می‌گیرد که "به خاطر تعلقات سیاسی، مذهبی یا قومی‌شان در خطر واقعی پیگرد و زندان قرار دارند" و چنین تعریفی "مداخله در روشن زندگی روزمره مردم" را ایجاد کننده حق پناهندگی نمی‌داند.

در کنار تغییراتی که صرفاً متوجه پناهنجویان ایرانی بوده‌اند، بجاست به تصویب قانون جدیدی که به موجب آن دولت هلند حق دارد پناهنجویانی که از کشور ثالثی به هلند آمده‌اند را به آن کشور پس بفرستد، مشروط به آنکه این کشور ثالث برای پناهنجویان مذکور امن تشخیص داده شود، نیز اشاره شود. این قانون

تضعیف اتحادیه‌های کارگری که نتیجه منطقی قرارداد نفتا خواهد بود، ارزیابی کلی این قرارداد جنبه‌های مثبتی را برای کل اقتصاد سه کشور آشکار می‌سازد.

نکته حائز اهمیت دیگری که می‌بایست مدنظر گرفته شود، اهمیت سیاسی حاصله برای ایالات متحده آمریکا و تأیید هژمونی این کشور در عرصه سیاسی و اقتصادی جهانی است. با ایجاد اروپای واحد که با شرکت ۱۲ کشور صنعتی اروپا بوجود آمده است، قطب اقتصادی نیرومندی پایه عرصه حیات گذشت که می‌توانست هژمونی اقتصادی ایالات متحده را در سطح بین‌المللی، تحت الشعاع قرارداد نفتا، به انجام قرارداد نفتا که از قدرت اقتصادی وسیع تری نسبت به اتحادیه اروپایی مشابه‌اش، برخوردار است، رقابت در عرصه اقتصاد جهانی، ظاهراً به نفع ایالات متحده آمریکا متمایل خواهد شد. بر اساس تخمین‌های اقتصادی در سال آینده، با انجام قرارداد نفتا و اروپای واحد و مشترک، کل تولید ناخالص ملی برای کشورهای نفتا ۷/۱ تریلیون دلار خواهد بود در حالیکه اروپای واحد، از تولید ناخالص ملی معادل ۶/۲ تریلیون دلار برخوردار خواهد شد.

نفتا، جمعیتی معادل ۲۷۱ میلیون نفر را در حال حاضر را در برمی‌گیرد، در حالیکه اروپای واحد، جمعیتی معادل ۳۴۸ میلیون را ز پیچتر خود خواهد داشت.

از سوی دیگر، با قبضه بسیاری از بازارهای جهانی، توسط شرکت‌های ژاپنی و قدرت روزافزون

قرارداد نفتا...
ادامه از صفحه ۵

درباره تغییر سیاست هلند...
ادامه از صفحه ۴

پس از مشاجرات بسیار در مجلس هلند و به قیمت شکاف در نیروهای مؤلف تشکیل دهنده دولت، سرانجام روز دهم دسامبر با اکثریت ضعیفی (۷۵ موافق، ۷۰ مخالف) مجمع نمایندگان مجلس هلند (۱۵۰ نفر) تصویب شد.

مجموعه تغییرات فوق‌نگرانی‌های بسیاری را خاصه در پناهنجویان ایرانی، که در ماه‌های اخیر از هلند پناهندگی خواسته‌اند ایجاد کرده است. خاصه پناهنجویان ایرانی ماه‌های اخیر، زیرا شمار پناهنجویان ایرانی در سال ۱۹۴ افزایش فوق‌العاده‌ای داشته، در

می‌کوشیم مکانیزم سانسور در ایران...
ادامه از صفحه ۶

مادرانجان نوشته بودیم که ما این رابه انجمن قلم جهانی خواهیم فرستاد و خوب طبیعی است که آن نفر آن را برای انجمن قلم جهانی ارسال کردند. این وظیفه‌ای بود که بوسیله گروه مشورتی که جمعا حدود ۲۵ تا ۳۰ نفر بودند اولین پاراف کنندگان متن ۱۳۴ نویسنده هستند بر عهده آنها گذاشته بودند.

رادیو فرانسه: گام‌های بعدی نویسندگان در ایران چگونه خواهد شد؟

براهنی: مسئله اصلی این است که گاهی در ایران گفته شده که اصلا این ۱۳۴ نفر بعضی‌ها نشان نویسنده هم نیستند. خوب به نظر من اولین کاری که باید بشود، فهرست خیلی خیلی دقیقی از آنان را این ۱۳۴ نفر باید تدوین بشود و بیرون بیاید. و فکر

مکانیزم های سانسور در ایران...
ادامه از صفحه ۶

مکانیزم های سانسور در ایران از بین برود یک شکوفایی، یک مرحله جدیدی در ایران به وجود خواهد آمد. من فکر می‌کنم یک بخش اساسی مکانیزم های سانسور ناشی از نادانی کسانی است که سانسور را اعمال می‌کنند. به دلیل اینکه خواندن متن ادبی و شعری را مان یک کار حرفه‌ای است و طبیعی است که بعد از انتشار یک اثر ادبی و در اختیار مردم قرار گرفتن آن، دیگر مجلات می‌توانند در مورد آثار ادبی قضاوت کنند و یا حتی اگر مسایل اخلاقی وجود داشته باشد بهتر است این مسایل اخلاقی در ملا عام و با بررسی دقیق و حرفه‌ای آثار ادبی صورت بگیرد به جای اینکه سه نفر پشت پرده نشینند و راجع به اخلاقی، غیر اخلاقی، جنسی، غیر جنسی، دینی، غیر دینی بودن آثار آن نویسنده تصمیم بگیرند و این تصمیم را پیش از چاپ سعی کنند اعمال کنند.

مکانیزم های سانسور در ایران...
ادامه از صفحه ۶

مکانیزم های سانسور در ایران از بین برود یک شکوفایی، یک مرحله جدیدی در ایران به وجود خواهد آمد. من فکر می‌کنم یک بخش اساسی مکانیزم های سانسور ناشی از نادانی کسانی است که سانسور را اعمال می‌کنند. به دلیل اینکه خواندن متن ادبی و شعری را مان یک کار حرفه‌ای است و طبیعی است که بعد از انتشار یک اثر ادبی و در اختیار مردم قرار گرفتن آن، دیگر مجلات می‌توانند در مورد آثار ادبی قضاوت کنند و یا حتی اگر مسایل اخلاقی وجود داشته باشد بهتر است این مسایل اخلاقی در ملا عام و با بررسی دقیق و حرفه‌ای آثار ادبی صورت بگیرد به جای اینکه سه نفر پشت پرده نشینند و راجع به اخلاقی، غیر اخلاقی، جنسی، غیر جنسی، دینی، غیر دینی بودن آثار آن نویسنده تصمیم بگیرند و این تصمیم را پیش از چاپ سعی کنند اعمال کنند.

فرانکفورتر روند شایع و وضعیت نهضت آزادی در حال حاضر چگونه است؟

بازرگان: دولت ما را غیرقانونی می‌داند. کمیسیون احزاب حکمی به ما داده است که در آن از رد تقاضای ما برای بنیانگذاری یک حزب سخن گفته می‌شود. ما به این حکم اعتراض کرده‌ایم، چرا که ما متقاضی اجازه فعالیت نشده‌ایم. حزب ما بر اساس قانون احزاب جزو احزاب موجود است و به رسمیت هم شناخته شده است. بر اساس قانون فوق تنها یک دادگاه اختیار دارد که حزبی را غیرقانونی اعلام کند. در مورد نهضت آزادی چنین دادگاهی تصمیم نگرفته است، لذا ما خود را قانونی می‌دانیم. هواداران ما بویژه در سطح استانیها به طرق مختلف مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند، یکی را در محل کارش زیر فشار قرار می‌دهند، به دیگری اتهام دروغین می‌پندند و... یک آموزگار (هوادار نهضت) را متهم کرده‌اند که با دانش آموز دخترش سروسری داشته است. برای مستدل کردن این اتهام تلفن‌های او را استراق سمع کرده و پس از جعل کردن قسمت‌هایی از آن با صدای دختر دانش آموز متنازع کرده‌اند. بویژه اعضای ساده ما مورد تعدی و آزار قرار می‌گیرند. در زندان به آنها گفته‌اند که ما شاخه‌های درخت (شما) را می‌زنیم تاریخ خود به خود بخشکد و در عمل هم دقیقاً همین کار را می‌کنند. فرانکفورتر روند شایع: فعالیت‌های شما به چه صورتی است؟

بازرگان: گاه به گاه دفتر سیاسی نهضت تشکیل جلسه می‌دهد و این کلی فعالیت ماست. دیگر نه امکان برگزاری مجمع عمومی هست و نه به کلیها و نشریات ما اجازه انتشار داده می‌شود. اگر ببینند که کسی بی‌بانه‌های ما را کپی می‌کند فوراً دستگیر می‌کنند. ولی با کسانی همچون ابراهیم یزدی، حسن صدرو من کاری ندارند. آنها با ما به شیوه‌ها و ابزارهای دیگری طرف می‌شوند. گهگاه ما بی‌بانه‌های صادر می‌کنیم که بخش آن‌ها دشواریهای زیادی توأم است. برای مثال ما نمی‌توانیم آنها را از طریق پست برای کسی بفرستیم، زیرا با ارسال آن خود داری می‌کنند و یا برای گیرنده اش دردسر بوجود می‌آورند. لذا این بی‌بانه‌ها به تعداد حداکثر ۱۰۰ عدد تنها در بین خود ما دست بدست می‌گردند. پاره‌ای مواقع اعضای ما امکان می‌یابند که در نشریات مستقل ابراز نظر کنند.

فرانکفورتر روند شایع: امروز چگونه می‌توان در ایران خارج از چهار چوبی که رژیم تعیین کرده به فعالیت سیاسی پرداخت؟

بازرگان: ابتدا باید بگویم که در همان چهار چوب مقرر هم خبری از آزادی نیست، نمونه‌اش هم برخوردی است که با آیت‌الله منتظری شده است. کوچکترین فعالیت و کوچکترین اجتماع افراد، حتی اعتصاب کارگران و دانشجویان

مهندس بازرگان:

هیچ امیدی به اصلاح امور نیست!

● در همان چارچوب مقرر هم خبری از آزادی نیست، نمونه‌اش هم برخوردی است که با آیت‌الله منتظری شده است

● (در جریان شورش قزوین) آنها تعداد بسیار، بسیار زیادی را اعدام کرده‌اند.

● وقتی که افراد به صورت فردی چیزی می‌نویسند حساسیت و واکنش چندانی از سوی حکومتیان مشاهده نمی‌شود، اما همینکه ببینند خارج از کنترل و نظارت آنها افرادی گردهم آمده‌اند و یا انجمنی تشکیل شده است سخت حساس و بر آشفته می‌شوند.

مهندس مهدی بازرگان رهبر نهضت آزادی چندی پیش از گذشت، در مصاحبه‌ای با روزنامه آلمانی فرانکفورتر روند شایع و محدودیت‌هایی که جمهوری اسلامی برای فعالیت نهضت آزادی فراهم آورده سخن گفت و پاره‌ای از شیوه‌های سرکوب رژیم را بر شمرد. وی در این مصاحبه در اظهار نظری کم سابقه از هر گونه تغییر و تحول در نظام جمهوری اسلامی اظهار ناامیدی کرده و بقای رژیم را ناشی از سیاست‌های آن در قلع و قمع و تاراندن مخالفین و از بین بردن زمین‌های ایجاد یک آلترا تیودانسته است. مصاحبه با بازرگان در شماره ۱۲ ژانویه روزنامه مزبور به چاپ رسیده و ما بخش‌های اصلی آن را برای خوانندگان عزیز به فارسی برگردانده ایم.

نیز از ترس اینکه مبادا گسترش یابد سرکوب می‌شود. حوادث قزوین در ماه‌های اخیر نمونه عملی چنین سیاستی بود. اعتراض مردم این شهر به تقسیمات جدید استانی مربوط می‌شد که حتی مسئولان دوایر و ادارات محلی و همچنین امام جمعه نیز با آنها همصدایی کردند. اما رژیم بجز امام جمعه همه مقامات محلی را از کار برکنار کرده و عده زیادی را نیز به هلاکت رساند.

فرانکفورتر روند شایع: در جریان شورش قزوین ظاهراً بین سه تا چهار هزار نفر کشته شده‌اند. شما در این مورد اطلاع دارید؟

بازرگان: آنها تعداد بسیار، بسیار زیادی را اعدام کرده‌اند، اما آمار دقیقی در این باره به دست من نرسیده است. تنها امکان مردم ابراز شفاهی عقیده خویش است زیرا رژیم در این زمینه قادر به کنترل آنها نیست. در اتوبوس، تاکسی و در صف قند و شکر مردم از رژیم انتقاد می‌کنند، از دستش می‌نالند و دشمنان می‌دهند.

در سالهای گذشته به تعدادی نشریه مستقل اجازه انتشار داده شده است، لیکن آنها با همه مشکلات قابل تصور درست به گریبانند. برای مثال همه روزنامه‌ها و نشریات در حرف حق استفاده از سهمیه کاغذ وزارت ارشاد را دارند، اما چنین حتی در عمل از نشریات مستقل سلب می‌شود. بهای کاغذ در بازار آزاد هم به قدری گران است که عملاً راهی جز توقف انتشار چنین نشریاتی باقی نمی‌ماند. علاوه بر آن دفتر اینگونه نشریات مورد هجوم و تخریب قرار می‌گیرند که حمله به "کیان" از جمله این موارد است. این نشریه پس از انتشار مصاحبه‌ای با من مورد هجوم قرار گرفت. البته این تنها جهت کار

خود دولت بلکه کار گروهی از حزب الهی‌ها بود، ولی اینها را بالاخره باید کسی تحریک کرده باشد. چنین مهاجمینی هیچگاه به لحاظ قضایی مورد تعقیب و پیگرد قرار نمی‌گیرند.

اخیراً تعدادی از نویسندگان و اعضای هیئت تحریریه نشریات را به این بهانه که امکان انتشار مقالات نیروهای ضدانقلاب را فراهم آورده‌اند دستگیر کرده و مورد شکنجه قرار داده‌اند. آقای خامنه‌ای بارها شکوه کرده است که آنها ققدر بی‌شرم هستند که از یکسو حکومتیان را مورد انتقاد و اعتراض قرار می‌دهند و از دیگر سو مدعی نبود آزادی می‌شوند. پاسخ ما به ایشان چنین بوده است: بله، ما گهگاه امکان پیدا می‌کنیم که به ابراز عقیده بپردازیم، تا اینجا حق با شماست. اما شما رابطه ما با مردم را قطع کرده‌اید، شما به ما اجازه چاپ و بخش نظرآتمان را نمی‌دهید و میان ما و هوادارانمان جدایی انداخته‌اید. با سایر احزاب و جنبش‌های اپوزیسیون نیز همینگونه رفتار شده است. وقتی که افراد به صورت فردی چیزی می‌نویسند حساسیت و واکنش چندانی از سوی حکومتیان مشاهده نمی‌شود، اما همینکه ببینند خارج از کنترل و نظارت آنها افرادی گردهم آمده‌اند و یا انجمنی تشکیل شده است سخت حساس و برانگیخته می‌شوند.

فرانکفورتر روند شایع: پشتوانه و نفوذ خود را در میان مردم چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بازرگان: این سؤال را باید از دیگران بکنید. اگر بگویم که مردم سمپاتی زیادی به ما دارند شاید حرف نادرست و بی‌اساسی باشد.

فرانکفورتر روند شایع: فکر می‌کنید رژیم در میان مردم از چه پایگاه و اعتباری برخوردار است؟

بازرگان: تجارب و تماسهای ما نشان می‌دهد که پنج درصد مردم هم از رژیم حمایت نمی‌کنند. حتی در میان وزیران، کارگزاران، مدیران و روحانیون نیز افرادی وجود می‌دارند که مخالف نظام هستند. بسیاری از آنها با دیدن ما لب به عذرخواهی می‌کشند. شماره چندانی کمی از آنها در بحث‌های درونی رژیم خواهان اصلاحات و فرم هستند. عده دیگر از روابط و مناسبات موجود سود می‌برند و صاحب خانه و امتیازات مشابه می‌شوند.

فصل و ارتش بویژه در دستگاه قضایی ابعاد سرسام آوری یافته است. در آنجا علناً و آشکارا رشوه خواری صورت می‌گیرد. طبیعی است که رشوه خواران و کسانی که از قبل این رژیم به نان و نوبی رسیده‌اند مخالفتی با آن نداشته باشند. دیگران البته تحت کنترل قرار دارند و اادار می‌شوند که خود را هوادار رژیم نشان دهند. واقعیت این است که اگر هنوز کسی از روی انگیزه‌های سالم و واقعی حامی رژیم باشد به خاطر گرایش به خمینی است و نه از سر ارادت به خامنه‌ای و رفسنجانی.

فرانکفورتر روند شایع: آیا رژیم را اصلاح پذیر می‌دانید؟

بازرگان: تاکنون نشانه‌ای از گرایش رژیم به فرم و اصلاحات دیده نشده است. به تازگی نامه‌ای به رفسنجانی نوشته شده که عنوان آن چنین است: "آقای رفسنجانی اشتباه شاه را تکرار نکنید!" در این نامه به گفتگویی اشاره می‌شود که در دوره حضور نمایندگان نهضت آزادی در مجلس بین من، احمد صباغیان، یزدی و آقای رفسنجانی صورت

گرفت. هنگامی که ما از نبود آزادی شکوه کردیم، رفسنجانی حرف ما را قطع کرد و گفت: وقتی شاه به ما آزادی داد از کشور بیرونش کردیم ما خودمان چنین خطایی را تکرار نخواهیم کرد. در نامه از رفسنجانی خواسته می‌شود که به راه شاه نرود. شاه به گزارش‌ها و اخبار اطرافیان اعتماد کرد و نتوانست دریابد که وضع تا چه حد شکننده و بی‌ثبات شده است. او هنگامی به واقعیت پی برد که دیگر دیر شده بود.

ولی ملاحظا ایداد در فکر تغییر و اصلاح امور نیستند و پیشنهادات و هشدارهای ما هم هیچ تأثیری ندارد. اینکه رژیم چنین برخورد و از خود راضی هنوز سراپا ایستاده امری عجیب و خارق‌العاده است. در قرآن آمده است که فرعون مصر به خاطر بی‌لیاقتی و خودخواهی نابود شد، بسیاری از دیکتاتورهای نیز چنین سرنوشتی داشته‌اند. بر سر این آقایان نیز همین خواهد آمد. این امر گویی که یک قانون طبیعی است: دیکتاتورها به قدری ظلم می‌کنند و به قدری درستی و پلیدی پیش می‌تازند که موجب فئای خود می‌شوند.

البته ما با شرکت در انقلاب بهمن امیدوار بودیم که آینده‌ای بهتر پدید آید. ما می‌دانستیم که کشورمان منابع عظیمی دارد و از پتانسیل اقتصادی و معنوی بالایی برخوردار است و نمی‌دانستیم که ملتی وجود دارد که باقی می‌ماند و در ثبات و بقای آن خللی پدید نمی‌آید. ولی تصور فاجعه‌ای که پس از رفتن ملاها روی خواهد داد چندان ساده و خوشایند نیست. در چهار گوشه کشور هر کسی ساز خودش را خواهد زد. یک طرف کردستان است، طرف دیگر آذربایجان، در جنوب خوزستان و... فروپاشی کامل خطری است که در کمین نشسته است.

فرانکفورتر روند شایع: آیا فکر می‌کنید که یک تحول واقعی تنها در صورت فروپاشی رژیم امکان پذیر است؟

بازرگان: بله. ولی اگر کسی از من بخواهد که با رفتن آقایان عهده‌دار مسئولیت شوم، قبول نخواهم کرد، زیرا در حال حاضر هیچ راه و آلترناتیوی وجود ندارد. چه کسی می‌تواند عهده‌دار مسئولیت شود؟ این سوالی است که انسان را سخت می‌آزارد. آیا مملکت ما هم سرنوشتی همچون افغانستان پیدا خواهد کرد؟ حکومتیان برای تداوم بقای خود به هر کاری دست زده‌اند تا آلترناتیوی در برابرشان وجود نداشته باشد. آنها ملی‌گراها (اعم از مذهبی و غیرمذهبی)، کمونیست‌ها، مجاهدین و همه گروه‌های دیگر را مجبور کردند که بگذارند و بروند، به گونه‌ای که اینک هیچ راه حلی جز ادامه تسلط خودشان باقی نمانده است، اینها نفس مردم را بریده‌اند و هر تلاش آزادیخواهانه‌ای را در نطفه خفه کرده‌اند. چشم‌اندازهای آینده شدیداً نگرانی‌آور است، شدیداً.

خورشید فریبنده

ادامه از صفحه ۶

بازی فیلمساز بر دو محور طنزخرازی، کنتراستی چخوفی به فیلم داده است. او از فضای چنین صمیمی دستاویزی می‌سازد تا به بیان ترازیک رابطه‌ها برسد. بدین طریق وجهی ترازیک اثر نمود بیشتر و تکان دهنده تری می‌یابد. با این وجود جنبه‌های شاد آن در زمانه‌ای خفقان‌بار (دوران استالین) حاکی از روحیه‌ای اسلاوی نیز هست، روحیه‌ای خوش گذران و شاد در اوج بحران‌ها و مصائب اجتماعی تاریخی، که چندان با روحیه‌ی ما ایرانیان نیز غریب نیست. نمونه‌ی غیرروسی آن را می‌توان در فیلم‌های امیرکوستاریکا، فیلمساز کروات نیز سراغ گرفت که در آنها همین دو وجهی طنزخرازی و مشهود است. این ویژگی‌ها در ساختار فیلم‌های دیگر میخالکوف که خود شیفته‌ی چخوف است به چشم می‌خورد. دیمیتری هنزدر توهم عشق ماروسیا است و به همین دلیل هم دستگیری کوتوف توسط وی بیش از آنکه ناشی از انگیزه‌ای سیاسی باشد انتقامی فردی است و گوی آتشین میانه‌ی فیلم به تعبیری دیگر فروریزی توهمات دیمیتری نیز هست و در انتهای فیلم همان گوی آتشین ناظر مرگ آرام دیمیتری است: نابودی یادمان‌ها و آرزو‌ها به نابودی فرد فرامی‌روید! این موضوع را می‌توان در کلنل کوتوف نیز سراغ گرفت. کسی که به انقلاب اکثریت و فادار است و حتا حاضر است از میان خانواده و سرزمین خود، میهنش را برگزیند، انسانی آرمان‌گرا که هنوز در او هام انقلابی بسط شده سیر می‌کند، در آن هنگام که ما مورین پلیس سیاسی او را غرق در خون می‌کنند تمام توهماتش با اشکی از خون فرومی‌ریزد و آن همه امال انسانی در پس‌هتی ناباورانه گم می‌شود، او بر حال و آینده می‌گردد! بدین ترتیب در انتها کوتوف و دیمیتری هر دو بطریق شاهد غروب خورشید فریبنده‌ی آرزوهایشان در پس پشت دیوارهای ضخیم واقعیت‌اند. نابودی کلنل پاپان غم‌انگیز توهمی سیاسی است و نابودی دیمیتری به گونه‌ای دیگر بازتاب خلاء ژرف درونی

خورشید فریبنده آمیخته‌ای از پیچیدگی‌های انسان است، انسانی که از یک سو با فردیت ویژه خود، با خوبستن خویش و نظا هرات بظا هر غیر منطقی اما عمیقاً احساسی، درونی و انسانی خود طرف است و از سوی دیگر در جستجوی آرمانهای عمومی است تا در سرنوشت بشری شریک شود، آرمانهایی که دست زمانه در کار فراموشی آرام آنهاست.

فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید تمدید اشتراک

مدت اشتراک: شش ماه یکسال

نام:

آدرس: Name:

Address:

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایند.

بهای اشتراک "کار"

اروپا:

ششماه ۴۵ مارک

یکسال ۹۰ مارک

سایر کشورها:

ششماه ۵۲ مارک

یکسال ۱۰۴ مارک

GER 3 DM

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

دارنده حساب: I.G. e.v.

شماره حساب: 22442032

کد پانک: 37050198

Stadtsparkasse Köln

Germany

شماره فکس Fax: 0049 _ 221 _ 3318290

اینجادیار فراموش شده‌ای به نام افغانستان است

آبزرور - چاپ لندن - برگردان از: بهروز میثمی

از ذهن مسعود رسول ۱۳ ساله که با غنچه خانه‌شان را آب می‌داد چه می‌گذشت؟ او به یقین به فکر مشق شب نبود. دو سال بود که مدرسه‌اش بسته بود. شاید به ماشین فکر می‌کرد. پدرش می‌گوید او عاشق ماشین بود - دلش می‌خواست وقتی که بزرگ شد مکانیک شود.

اما آن لحظه که موشک قوای دولتی از پس تپه‌های مشرف بر خانه‌شان در منطقه "کارت ۳" کابل شلیک شد، سرنوشت او دیگر رقم خورده بود. شاید مسعود تنها صغیر موشک ۱۲۲ میلی‌متری روسی را شنیده بود، اما دیگر مجالی برای گریزنداشت.

فراموشی سپرده است؟ پاسخ به این سؤال بسیار دشوار است، بویژه آن گاه که پرسش گرمادریا پدرست که کم سال‌ترین فرزندش بر اثر اصابت ترکش خمپاره و خونریزی شدید در بخش سوانح بیمارستان جمهوری کابل - با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند.

سازمان ملل کابل را منطقه‌ای خطرناک برای پرسنل خود اعلام کرده است. اولین مجروحین ساعت ۹ صبح به بیمارستان آورده می‌شوند. بسیاری از آنان کوهانی هستند چون رقیه؛ بی‌هوش و رنگ پریده و با سری که در اثر اصابت ترکش خمپاره دو

افتاده‌اند. ۹ گروه اصلی اسلامی با برخورداری از حمایت دولت‌های خارجی مانند پاکستان، ایران، عربستان، ازبکستان و تاجیکستان برای در دست گرفتن کنترل بر کابل مردم را به روز سیاه نشانده‌اند. دو گروه از این میان دارای قدرت بیشتری هستند. یک گروه گرد رئیس جمهور برهان‌الدین ربانی و رهبر نظامی او احمد شاه مسعود جمع شده‌اند و گروه دیگر حول نخست‌وزیر گلبدین حکمت یار و رهبر نظامی وی عبدالرشید دوستم جدا شدن دو دستم از ربانی و پیوستن وی به حکمت یار ابعاد درگیری‌ها را گسترش داده است.

تعداد نصف سکنه کابل در زمان حضور نیروهای شوروی در آن است. بزرگ‌ترین بخش اهالی در مدارس، مساجد و آپارتمان‌های مخروبه زندگی می‌کنند. در نگاه اول شلوغی بازار دردد و رنج مردم را پنهان می‌دارد. مردم در حال خرید و فروش سبزیجات و حبوباتند. دوجرخه سواران در میان تاکسی‌های زرد رنگ می‌لولند. مردها پیراهن‌های گشاد بر تن در قهوه‌خانه‌ها به خوردن چای و صحبت با یکدیگر مشغولند. دست‌فروشان سیگار و چوب برای مصارف سوختی می‌فروشند. ولی کابل شهری است تحت محاصره. راه‌های ورودی شهر در دست نیروهای حکمت یار است. ورود مواد غذایی به شهر کنترل می‌شود. آن‌ها می‌خواهند شهر را به فحطی بکشانند.



رقیه، دختر هجده خردسالی که به هنگام بازی بر اثر گلوله از پای درآمد

بعد از انفجار مسعود ۲۴ ساعت زنده ماند. چند لحظه پیش از مرگش چشمانش را گشود و نگاه‌هایی به پدر افکند. فردای آن روز کالبدی جان او را در کفنی پیچیدند و به مقر صلیب سرخ بردند تا او را نزد بستگانش در یکی از مناطق تحت کنترل دولت منتقل کنند. خانواده‌اش دو ماه پیش برای رهایی از شلیک توپ و موشک به این منطقه آمده بودند. مسعود و پدرش در خانه‌شان ماندند تا نگذارند آن را به تاراج برند.

دو سال از مرگ مادر و خواهرش که در اثر اصابت موشک جان داده بودند، می‌گذشت که مسعود در کنار آنان به خاک سپرده شد. مزار او با پرچمی سبز پوشانده شده است؛ نشانه مدفن شهید جنگی اسلامی. گورستان کابل پر از پرچم‌های سبز پاره پاره است. در جنگی که پیش از دو سال و نیم است بین رقبای اسلامی در جریان است، تا کنون ۲۰ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند. تنها در سال اخیر ۸ هزار نفر کشته و ۱۰۰ هزار نفر مجروح شده‌اند.

صلیب سرخ معتقد است کشتار در جنگ افغانستان بیش از جنگ‌های دیگری بوده است که تا کنون به وقوع پیوسته‌اند. ولی گوتی سرنوشت این کشور به فراموشی مطلق سپرده شده است. این روند پس از خروج سازمان ملل از افغانستان در ماه ژانویه سال گذشته شدت گرفته است.

غیر از چند سفر نمایندگان سازمان ملل متحد به افغانستان، سازمان ملل هیچ حضوری در این کشور ندارد. صرف نظر از دیدار ماه گذشته نماینده سازمان ملل از کابل، آخرین باری که نماینده‌ای از این سازمان به افغانستان رفت، شش ماه پیش بود. قرار است مسئله افغانستان در سازمان ملل مورد بحث واقع شود. ولی این بحث تئوری بیش از چند اظهار تاسف نخواهد داشت. هراز گاه کابلی‌ها با سردرگمی از خارجی‌هایی پرسند: چرا دنیا ما را به

تکه شده است. رقیه داشت بازی می‌کرد. پاهای منشی بیمارستان بر اثر انفجار مین تکه تکه شده‌اند. او به همراه پدرش برای واریسی خانه‌اش رفته بود. خانه‌ای که وادار به ترکش شده‌اند. روزهایی که جنگ شدت می‌گیرد، تن‌های زخمی و خون‌آلود مجاهدین جوان توسط برادران ریشوری آن‌ها به بیمارستان انتقال داده می‌شود. هر هفته به طور متوسط بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ مجروح به بیمارستان آورده می‌شوند. عاملین اصلی این خون‌ریزی‌ها حاکمان مسلمانند که پس از بیرون راندن دولت نجیب به جان هم

کابل در محاصره کوه‌هاست. قسمت میانی ویلندی‌های اطراف در دست نیروهای دولتی و مناطق کوهستانی دورتر از کابل در کنترل نیروهای مخالف دولت است. نیروهای دولتی و مخالف هر دو موشک‌های هدایت نشده شلیک می‌کنند که اغلب به مناطق مسکونی اصابت می‌کنند. اکثر موشک‌های نیروهای طرفدار ربانی است که مناطق مسکونی را نشانه می‌گیرد. در نتیجه جابجائی مداوم خط مقدم جبهه، بخش‌های عظیمی از کابل با خاک یکسان شده است. صلیب سرخ اهالی کابل را با بلخ بریک میلیون نفر بر آورد می‌کند. این

اخبار کوتاه از سراسر جهان

وخامت وضع جسمانی تنگ شیائوپینگ

رسانه‌های غربی به نقل از محافل نزدیک به دولت چین گزارش دادند تنگ شیائوپینگ که ده‌ها سال از تعیین‌کنندگان اصلی سیاست این کشور بوده است از چند هفته پیش در حالت انغماء به سر می‌برد و امید به نجات جان او نیست. تنگ که ۹۰ سال دارد، حدود یک ماه پیش دچار سکته مغزی شد. سخنگویان رسمی دولت چین، به طور ضمنی تأیید کرده‌اند که حال وی رضایت‌بخش نیست. به دنبال انتشار این اخبار، در چند بورس آسیای سهام شرکت‌هایی که در چین سرمایه‌گذاری کرده‌اند رویه کاهش نهاد.

بحران در کابینه ائتلافی آفریقای جنوبی

بر سر بخشودگی ۲۵۰۰ م‌م‌م‌م سابق پلیس و دو وزیر پیشین آفریقای جنوبی که متهم به نقض حقوق بشر در دوران آپارتایدند، بین کنگره ملی آفریقا به رهبری نلسون ماندلا و حزب ملی به رهبری دکلرک رئیس‌جمهور سفید پوست سابق آفریقای جنوبی اختلاف بروز کرده است. اکثریت کابینه ائتلافی ماندلا که در آن، شش وزیر از حزب ملی نیز عضویت دارند، با عضو عمومی ۳۵۰۰ پلیس و دو وزیر پیشین مخالفت کرد. پافشاری حزب ملی، حزب حاکم سابق، بر بخشودگی متهمان به بحران سختی در ائتلاف حاکم منجر شد. با اینکه ماندلا و دکلرک در بیانیه مشترکی که در پایان یک هفته مشاجرات سخت انتشار یافت گفتند که می‌خواهند به اختلافات پایان دهند، این اختلافات به جای خود باقی است.

تظاهرات راهبان بودایی سری لانکا علیه پاپ

پاپ ژان پل دوم که در جریان سفر آسیایی خود هفته گذشته وارد سری لانکا شد، در این کشور با اعتراض راهبان بودایی مواجه گردید. انگیزه تظاهرات بودایی‌ها، حملات پاپ به مذهب بودا در آخرین کتاب خود است. راهبان سری لانکایی خواهان آن شدند که پاپ بابت این اظهارات خود، عذرخواهی کند.

ناآرامی در مکزیک

مکزیک در نخستین هفته‌های زمادی زویلیو رئیس‌جمهور جدید این کشور دچار ناآرامی‌های سیاسی و اقتصادی است. در استان تاباسکو مخالفان فرماندار که از حزب حاکم است، به مدت سه هفته در اعتراض به تقلب انتخاباتی حزب حاکم در مقابل ساختمان فرمانداری دست به تحصن زدند تا اینکه جماعت‌داران حزب حاکم به متحصنین حمله و آنان را متفرق کردند. در زمینه اقتصادی، دولت مکزیک ناچار شد درواکش نسبت به افزایش نرخ تورم سالانه تا حدود ۲۰ درصد، ارزش پزو، واحد پول مکزیک را کاهش دهد.

اجلاس وزرای کشورهای اروپایی

و آفریقای برای مقابله با بنیاد گرایان

به ابتکار شارل پاسکوا وزیر کشور استرالی فرانسه، وزرای کشور ایتالیا، اسپانیا، پرتغال، فرانسه، تونس، مراکش و الجزایر در تونس گرد آمدند تا درباره افزایش همکاری برای مقابله با بنیاد گرایان اسلامی تبادل نظر کنند. پاسکوا اعلام کرد می‌خواهد نتایج این دیدار را به اطلاع سایر وزرای کشورهای اتحادیه اروپا که این هفته تشکیل جلسه می‌دهند، برساند. پنجشنبه هفته گذشته بر اثر انفجار بمبی در نزدیکی بازار شهر الجزیره پنج نفر کشته و ۲۱ تن مجروح شدند.

آتش بس بوسنی نقض می‌شود

آتش بسی که از آغاز سال ۱۹۹۵ در بوسنی به اجرا درآمد، هر هفته شدیدتر از هفته قبل نقض می‌شود. صرب‌های کرواسی هفته گذشته تهاجم مجددی علیه منطقه مسلمان نشین بیهاج آغاز کردند. از سایر مناطق بوسنی، از جمله شمال شرقی این کشور نیز اخباری دایر بر نقض آتش بس می‌رسد. هیأت نمایندگی دولت بوسنی هفته گذشته در اعتراض به خودداری صرب‌ها از گشودن جاده سارا بومرکز بوسنی به مناطق میانی این کشور، مذاکرات با صرب‌ها برای اجرای کامل آتش بس را ترک کردند.

حمله جمهوریخواهان آمریکا به توافق با کره شمالی

جمهوریخواهان آمریکا که در کنگره این کشور اکثریت دارند، به شدت به قراردادی که دولت کلینتون در سال گذشته میلادی با کره شمالی در مورد تأسیسات اتمی این کشور امضا کرد، حمله کردند. محافظه کاران ایالات متحده می‌گویند در قرارداد ژنو، کره شمالی تنها تعهدات لفظی داده است در حالی که واشنگتن متعهد به پرداخت مبلغ میلیاردی شده است. نمایندگان جمهوریخواه اظهار داشتند بستن چنین قراردادی با کره شمالی به منزله دادن پاداش به این کشور بابت رفتار تهاجمی آن در بحران اتمی سال گذشته است.

معرفی نخست‌وزیر جدید ایتالیا

لا مبرتودینی نخست‌وزیر جدید ایتالیا که در کابینه برلوسکونی وزیر دارایی بود، از سوی اسکارلوتیجی سکالافور رئیس‌جمهور این کشور به نخست‌وزیری منصوب شد و کابینه خود را معرفی کرد. دینی و همه اعضای کابینه او غیر حزبی‌اند. برلوسکونی نخست‌وزیر سابق بار دیگر خواهان برگزاری انتخابات پیش‌رس در اواسط سال ۱۹۹۵ شد.

پس از زلزله کوبه، هزاران حریق در این شهر ایجاد شد و کارآمداد رسانی را بسیار دشوارتر کند.

نکته دیگری که در کشوری پیشرفته مانند ژاپن جلب توجه می‌کند، این است که امکانات کافی برای رساندن کمک پزشکی به حدود ۲۴ هزار نفر مجروحین زلزله وجود ندارد. دولت ژاپن برای جستجوی مردمی که زیر آوارمانندند، ناچار شد از سونیس سنگ‌های تریب شده وارد کند زیرا در هیچ نقطه ژاپن چنین سنگ‌هایی تریب نشده‌اند. مورا یا ما نخست‌وزیر ژاپن چهار روز پس از زلزله اذعان داشت که دولت این کشور در واکنش خود پس از وقوع فاجعه، کوتاهی‌هایی داشته است.

زلزله در ژاپن نزدیک به ۵۰۰۰ قربانی گرفت

است. به عنوان نمونه، مسئولان شهرسازی کوبه و سرمایه‌گذاران خصوصی در امر ساختمان، به این امر توجه نکرده بودند که در صورت وقوع زلزله، احتمال وقوع آتش‌سوزی بر اثر انفجار لوله‌های گاز بسیار است و بنا بر این، باید ساختمان‌ها را با فاصله‌هایی که مانع گسترش شدید آتش شود ساخت. عدم توجه به این امر باعث شد که در نخستین دقیق و ساعات

عواقب فاجعه بار زلزله ژاپن به ویژه از این لحاظ مورد توجه قرار گرفت که تا کنون گمان می‌رفت ژاپن، نمونه‌ای موفق از چگونگی مهار شدن قوای قهریه طبیعت توسط بشر است. اما تجربه اخیر نشان داد که در یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان نیز بشر نتوانسته است از فواید طبیعی گذشته درس بگیرد، و ایمنی در بسیاری موارد قربانی ملاحظات اقتصادی و مالی و سودجویی شده

ساعت ۵ و ۴۶ دقیقه با ممداد ۲۶ دی ماه به وقت محلی، زلزله‌ای به قدرت ۷/۲ ریشتر منطقه صنعتی کانسای واقع در مرکز ژاپن را لرزاند و تلفات و خسارات سهمگینی به بار آورد. بیشترین آسیب‌ها در این شدیدترین زلزله ۵۰ سال اخیر ژاپن، به شهر میلیونی کوبه وارد آمد. طبق آخرین برآوردها، زلزله ژاپن نزدیک به ۵۰۰۰ کشته به جای گذاشته است. ۱۰ هزار ساختمان فرو ریخته‌اند. ۲۸۰ هزار نفر از اهالی منطقه حدفاصل کوبه و اوواکا که خانه‌های خود را از دست داده‌اند، در مدارس و چادرها پناه گرفته‌اند یا در حالی که درجه حرارت زیر صفر است، در خیابان‌ها و اطراف ساختمان‌های دولتی به سر می‌برند.

ارتش روسیه مقرر ریاست جمهوری چچن را تصرف کرد

نلسون ماندلا: مرگ جواتسلو در میان ما خلاء ایجاد کرده است

در پی پنج هفته نبرد سخت، ارتش روسیه روز ۲۹ دی ماه، ساختمان مقرر ریاست جمهوری چچن در گروسنی مرکز این جمهوری را که تبدیل به مظهر مقاومت چچنی‌ها در برابر مهاجمان شده بود، به تصرف خود درآوردند. دولت روسیه در مسکو اعلام کرد سربازان روسیه بر فراز عمارت ریاست جمهوری گروسنی، پرچم فدراسیون روسیه را به اهتزاز درآورده‌اند. یک خبرنگار خبرگزاری فرانسه که همراه با ارتش روسیه وارد این ساختمان شد و اندکی بعد از آنجا بیرون آمد، تأیید کرد که روس‌ها این عمارت را تسخیر کرده‌اند. به گفته مقامات روس، صد ها نفر از جنگجویان چچنی که در ساختمان ریاست جمهوری گروسنی سنگر گرفته بودند، این عمارت را ترک کردند.

می‌باشد. خبرگزاری‌های روسیه گزارش دادند گروسنی در روز ۳۰ دی شاهد حملات هوایی و توپخانه و تبادل آتش میان ارتش روسیه و چریک‌های چچن بود. یک سخنگوی دودایف گفت عملیات نظامی چچنی‌ها در گروسنی تازه شروع شده است. این سخنگو اعلام پایان جنگ توسط مقامات روس را نشان دادن آرزوی او و قیمت خواند و گفت فرماندهی نظامی نیروهای چچن، بنا به تصمیم خود مقرر ریاست جمهوری را ترک کرده و ستاد خود را به نقطه ای در نزدیکی این ساختمان انتقال داده است. این

این فرمانده روس افزود جنگ پارتیزانی احتمالاً مدت‌ها به طول خواهد انجامید و قربانیان فراوان خواهد داشت. روز سی‌ام دی ماه، دوما، مجلس نمایندگان روسیه بار دیگر خواهان برکناری گراچف وزیر دفاع این کشور شد. به لایحه‌ای که بدین منظور از سوی فراکسیون "زنان روسیه" ارائه گردید، ۲۳۰ نماینده رأی مثبت و ۴۴ نماینده رأی مخالف دادند. اما این تصمیم پارلمان روسیه نتایج عملی به دنبال نخواهد داشت زیرا تنها امکانی که در قانون اساسی روسیه برای تأثیر گذاری

دارایی به دوما ارائه شد و با ۲۲۹ رأی مخالف، ۹ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع به تصویب رسید. کمیته‌های پارلمان به موجب این مصوبه مأمور شدند تا تاریخ بحث عمومی پارلمان، طرح قطعنامه‌ای را تهیه کنند که در آن، روسیه آمادگی خود را برای احیای وحدت دولتی داوطلبانه با جمهوری‌هایی که در گذشته جزئی از اتحاد شوروی بوده‌اند، اعلام نماید. روز ۲۹ دی ماه، شورای فدراسیون روسیه که در کنار دوما، مجلس دیگر پارلمان است، با اقدام برای برکناری یلتسین به خاطر جنگ

بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه به دنبال تصرف مقرر ریاست جمهوری در گروسنی مدعی شد که فاز نظامی عملیات در چچن به پایان رسیده است. در همین روز، ویکتور چرنومیردین نخست وزیر روسیه هرگونه مذاکره با جوهر دودایف، رهبر چچنی‌ها را رد کرد و گفت با "آشغال گفگونی" کند.

به گفته یلتسین، از این پس وزارت کشور روسیه مسئول احیای نظم و قانون در چچن است. یلتسین هفته گذشته در واکنش نسبت به انتقادات برخی فرماندهان عالی رتبه ارتش روسیه از نحوه اجرای عملیات چچن، سه معاون وزارت دفاع روسیه را که از جمله سرسخت ترین مخالفان جنگ چچن اند، از کار برکنار کرد. این سه تن عبارتند از بوریس گروسوف، گشورگی کونتراتیف والری میرونف. در مسکو اعلام شد یلتسین به زودی درباره سرنوشته این فرماندهان مخالف تصمیم خواهد گرفت.

علیرغم ادعای یلتسین دایر بر اینکه با سقوط مقرر ریاست جمهوری چچن، جنگ در این جمهوری پایان یافته است، روز جمعه ۳۰ دی ماه نبرد در گروسنی با شدت ادامه یافت. دودایف رهبر چچن اعلام کرد مقاومت در برابر روسیه تداوم



یک زن سالمند روس که سالها می‌تواند در چچن گذرانده، از رهبران روسیه می‌خواهد به خونریزی در قفقاز پایان دهند

سخنگو گفت دوسوم شهر گروسنی کماکان در کنترل جنگجویان چچن است. به ادعای این سخنگو، دودایف گروسنی را ترک نکرده است و دولت جمهوری چچن در گروسنی به کار خود ادامه می‌دهد. خبرگزاری روسی اینترفاکس به نقل از یک افسر عالی رتبه ارتش روسیه خاطر نشان کرد حتی اگر گروسنی ظرف روزهای آینده از گروه‌های مسلح غیرقانونی پاکسازی شود، جنگ در چچن ادامه خواهد یافت.

دوما بر عزل و نصب‌های دولتی پیش بینی شده است، رأی عدم اعتماد به کل کابینه است که حتی آن نیز رئیس جمهور را ملزم به پیروی از پارلمان نمی‌کند. مجلس نمایندگان روسیه همچنین تصمیم گرفت در روز ۱۹ بهمن یعنی درباره "احیای وحدت روسیه" ترتیب دهد. لایحه در دستور قرار گرفتن این بحث، توسط گروه "اتحاد لیبرال-دمکرات ۱۲ دسامبر" به رهبری فیودوروف وزیر پیشین

چچن مخالفت کرد. یک تقاضای کمیته حقوقی این مجلس برای دادن رأی عدم اعتماد به یلتسین، با ۶۱ رأی مخالف و ۵۵ رأی موافق رد شد. در تقاضای کمیته حقوقی شورای فدراسیون آمده بود یلتسین مرتکب سوءاستفاده از مقام و قدرت خود همراه با توسل به قهر و اسلحه شده است. این جرم در قانون کیفری روسیه "جنایتی سنگین" شمرده می‌شود.

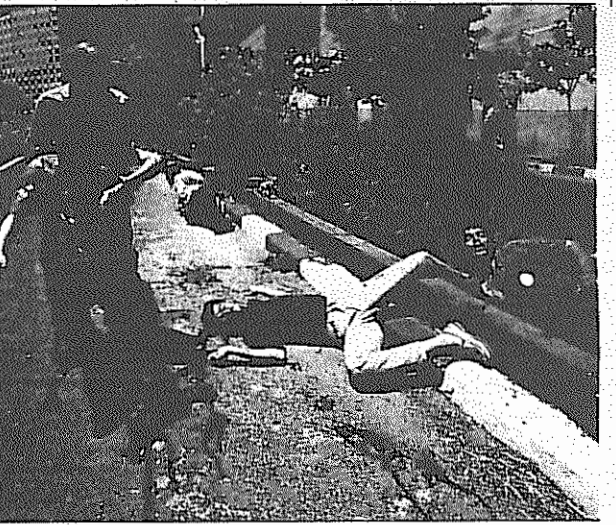
و جای شامخ خود را در تاریخ ما به دست آورده است. مدافعان آپارتاید از اینکه جواتسلو در راه پایان دادن به برتری سفید پوستان مبارزه می‌کرد، حیران بودند. عموجهمه انسانها را یکسان و یسان خود می‌دید.

جواتسلو رهبر حزب کمونیست آفریقای جنوبی روزیکشنبه ۱۵ ژانویه در آرامگاه قهرمانان شهر سوتو در جنوب شرقی ژوهانسبورگ به خاک سپرده شد. در مراسم رسمی که به این مناسبت در استاد یوم شهر سوتو برپا شد، سی هزار نفر از جمله نلسون ماندلا رئیس جمهور، اعضای کابینه و رفقای جواتسلو دروداع با او شرکت کردند. ماندلا در ستایش از نقش جواتسلو گفت: امروز که ملت با تووداع می‌کند، در عین حال زندگی را نیز جشن می‌گیرد. زندگی سرشار از غنا که بر قلب یک یک مردم تأثیر گذارده

پیشنهاد احزاب سیاسی الجزایر برای پایان دادن به جنگ داخلی

خواهان این شده‌اند که در پی یک دوره گذار حتی القدر کوتاه، انتخابات برگزار گردد و دولت جدیدی تشکیل شود. دولت الجزایر در نخستین واکنش خود در قبال بیانیه رم، این طرح را رد کرد. نماینده جبهه نجات اسلامی هنگام امضای بیانیه رم گفت مبارزه مسلحانه، نه هدف، که وسیله است. وی افزود اگر دولت الجزایر پیشنهاد های بیانیه رم را بپذیرد، جبهه نجات اسلامی آمادگی اعلام آتش بس را دارد. این نماینده جبهه نجات، اعلام آتش بس را بدین

در روز دوشنبه ۱۸ دی ماه نمایندگان احزاب سیاسی الجزایر برای دومین بار طرف دوما، درم گرد آمدند تا درباره شرایط پایان دادن به جنگ میان نیروهای دولتی و بنیادگرایان الجزایر گفتگو کنند. در آغاز این اجلاس، علی یحیی رئیس اتحادیه حقوق بشر الجزایر بر ضرورت مبرم پایان دادن به قهر در الجزایر که گاه تا ۱۰۰۰ نفر در هفته قربانی می‌گیرد، تأکید کرد. وی گفت در الجزایر از جانب نیروهای مختلف قهر اعمال می‌شود. در اجلاس رم از جمله



قربانیان یک حمله تروریستی افراطیون اسلامی در الجزیره

شرط منوط کرد که رهبران این جبهه که در الجزیره در خانه‌های خود تحت نظرند بتوانند آزادانه با سایر زندانیان سیاسی مشورت کنند. ژوپه وزیر خارجه فرانسه از تشکیل اجلاس رم استقبال کرد و گفت این نشست می‌تواند راه گفتگوهای جدید میان دولت و اپوزیسیون را گشوده، به انتخابات آزاد بینجامد. وزیر خارجه فرانسه افزود: "تنها مذاکره است که می‌تواند الجزایر را از رویارویی فعلی نجات دهد."

شخصیت‌ها و احزاب زیر شرکت داشتند: بن یلا رئیس جمهور سابق، جبهه رهایی بخش ملی حزب حاکم پیشین، جبهه نجات اسلامی و جبهه نیروهای سوسیالیست به رهبری آیت احمد. در روز ۲۲ دی ماه، حاضرین در نشست رم سندی را امضا کردند که حاوی طرحی برای بازگرداندن صلح به الجزایر است. در این سند آمده است دولت الجزایر باید "مذاکرات واقعی" با اپوزیسیون را بپذیرد. احزاب اپوزیسیون الجزایر،

اینجادیار فراموش شده‌ای به نام افغانستان است
در صفحه ۱۱

لس آنجلس از "فرهیختگان" به خود می‌لرزد

● یک عضو انجمن "منسا" نوشت: جامعه ما باید به این فکر خوب بگیرد که سالخورده‌گان، ضعفا، دیوانگان و دیگر زائده‌ها باید کشته شوند

نشریه‌ای در لس آنجلس، که در آن برای "جراوب" کردن بیخ‌انمانها، معلولان و سالخورده‌گان نسخه بیچیده شده، منجر به هیاهوی بزرگی شده است. علت، درج مقاله‌ای در این نشریه، که بولتن محلی انجمن "منسا" - Mensa - انجمن افراد با بهره‌هوشی بالاست، می‌باشد. در این بولتن، که خوانندگان آن بلحاظ بهره‌هوشی به ۲ درصد بالاترین لایه جامعه تعلق دارند، ادعا شده است که "افراد" که دارای عقب افتادگی‌های روحی‌اند چنانکه نتوانند در جامعه دوام یابند باید به محض شناسایی به روشی انسانی کشته شوند. "جیسون برنت Jason Brent" وکیل و عضو انجمن مذکور، در مقاله دیگری اعلام کرده‌است که بزرگترین جنایت هیتلر نه کشتار شش میلیون یهودی در گورهای آدم‌سوزی، بلکه این است که اقدامات او در راه بحثی عقلایی درباره خلق یک نژاد برتر خخل ایجاد کردند. بزعم برنت "جامعه باید به این فکر خوب گیرد که سالخورده‌گان، ضعفا، دیوانگان و دیگر زائده‌ها باید کشته شوند." در مقاله دیگری بقلم جان اوانس Jon Evans ادعا شده است که بخش اعظم بیخ‌انمانها، بیش از اندازه‌احمق، تنبل، پررو و جامعه‌گریزند. آنها قادر به اداره زندگی خودشان نیستند. و نتیجه

طرح آنها می‌خواسته است بحثی را در این باره برانگیزد. برنت، که خودش می‌گوید یهودی است و ده‌ها نفر از اقوامش در کوره‌های آدم‌سوزی سوزانده شده‌اند، مدعی است که اظهار نظراتش درباره هیتلر "مردم را به فکر کردن واداشته است." ناشر بولتن، نیکو فری Frey Nikki، معتقد است انتشار این مقالات ابدکار اشتباهی نبوده است. "من هرگز چیزی موهن یا مخرب را منتشر نخواهم کرد، و معتقد نیستم که این مقالات چنین بوده‌اند. کسی هست که دلش یک بچه علیل بخواد؟" اما همه ۲۰۰۰ عضو انجمن اعتقادی مشابه او ندارند. نامه‌های بسیاری به دفتر نشریه رسیده‌اند که در آنها به شماره ماقبل آخربولتن، که نام لبخند هفته را بر خود دارد، اعتراض شده است.